



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حَقِيمَةٌ

للمسائل التي تموت على عهد السلام

مؤلف: محمد إبراهيم هرساني



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشمه حیات : فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان

نویسنده:

احمد ابراهیمی هرستانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	چشمه حیات (فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	مقدمه
۲۴	فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام
۲۴	بالاترین فضائل مخصوص علی علیه السلام است
۲۶	اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام
۲۷	زلزله ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام
۲۹	اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش
۳۰	اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود
۳۱	علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد
۳۲	علاقه ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام
۳۳	خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت
۳۴	گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام
۳۵	خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می کند
۳۶	سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه ی خاص خداوند به علی علیه السلام
۳۷	علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده ی اسرار است
۳۸	امر ملاً اعلی بر عهده ی علی علیه السلام است
۳۸	هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود
۴۰	حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می درخشد
۴۱	سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام
۴۱	هدیه ی خداوند متعال به علی علیه السلام
۴۲	سه هزار منقبت در یک شب

- برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه ی علی علیه السلام ۴۳
- اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام ۴۳
- قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود ۴۴
- خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی علی علیه السلام پیمان بسته است ۴۵
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است ۴۶
- ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام ۴۷
- جدایی از علی، جدایی از رسول ۴۷
- علی علیه السلام به منزله ی کعبه ۴۷
- نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه ی امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۸
- دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل ۵۰
- به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام ۵۱
- کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۱
- پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام ۵۴
- اسرار معراج علی علیه السلام ۵۵
- مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۶
- خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد ۵۷
- علی ملیء الایمان ۵۹
- آمدن امیرالمؤمنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام ۵۹
- قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمکزار شد. ۶۲
- اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت ۶۲
- بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است. ۶۳
- اشتیاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام ۶۴
- سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است. ۶۴
- فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می گرفتند. ۶۴
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وجد می آید. ۶۶
- پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ در معراج ، خروسی دید که صدا می زد علی علیه السلام امیر المومنین است. ۶۸

- عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملانکه ۶۹
- چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است. ۶۹
- عائب بر امیرالمومنین علیه السلام مشرک به خداست ۷۱
- خدایا تا چهره ی علی علیه السلام را به من نشان نداده ای مرا نمیران ۷۲
- حدیث کوثر ۷۲
- حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام ۷۳
- حدیث مصافحه علی علیه السلام ۷۵
- شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام ۷۶
- علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج ۷۶
- شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام ۷۶
- وسعت قلب علی علیه السلام ۷۷
- هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می رسد ۷۸
- حدیث التسل ۷۸
- حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق ۸۰
- عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام ۸۲
- حدیث نخله صیحانی ۸۲
- حدیث جام آسمانی ۸۳
- وسایل خاضه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد ۸۶
- تنها علی علیه السلام بر شانه ی پیامبر بالا رفت ۸۷
- علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی کند ۸۸
- حدیث صاحب النعل ۸۹
- حدیث سابقین ۹۰
- حدیث ليله الخطاب حضرت موسی علیه السلام ۹۰
- علی علیه السلام میان دو خلیل ۹۲
- علی علیه السلام منار الأنام ۹۲
- حدیث صُلب ۹۳

- ۹۳ حدیث اول
- ۹۳ حدیث دوم
- ۹۳ حدیث سوم
- ۹۳ حدیث اختیار
- ۹۴ حدیث شباهت
- ۹۴ حدیث اول
- ۹۴ حدیث دوم
- ۹۵ حدیث هجوم
- ۹۶ حدیث استرشاد
- ۹۷ حدیث فاروق
- ۹۸ دوستی حضرت علی علیه السلام و فضائل شیعیان
- ۹۸ دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است.
- ۹۸ دوستی علی علیه السلام سعادت‌مندی به تمام معنا.
- ۹۹ جان‌کندن او به راحتی صورت می‌گیرد.
- ۹۹ شیعه و دوستدار امیرالمؤمنین علیه السلام در این دنیا در بهشت است.
- ۱۰۰ خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۰۱ ما زیارت شیعیان را دوست می‌داریم.
- ۱۰۱ اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی‌ها
- ۱۰۱ دوستی علی علیه السلام در قلب محبتین ثابت تر از کوه احد
- ۱۰۲ با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی‌شد.
- ۱۰۲ فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.
- ۱۰۲ دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن
- ۱۰۳ شیعیان ما از شیرینی آفریده شده‌اند.
- ۱۰۳ نوشته‌ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام
- ۱۰۴ ثواب طعام دادن به دوستداران علی علیه السلام
- ۱۰۴ دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه جنگ زدند.

- ۱۰۵ شیعیان علی علیه السلام متعلمین هستند.
- ۱۰۵ محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله
- ۱۰۶ ملائکه های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می کنند
- ۱۰۶ سبیل الله، شیعه است
- ۱۰۷ کیفیت خانه های بهشتی شیعیان
- ۱۰۷ اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابدأ از خوبی بهره ای نمی بردند
- ۱۰۸ مَحَب علی علیه السلام بر مَلّت ابراهیم علیه السلام است
- ۱۰۸ منادی در عرصه ی قیامت، ندای اُنَّ الْمُجَبُّونَ سر می دهد
- ۱۱۰ حدیث ابوذر رضی الله عنه
- ۱۱۰ افضل عبادتها حَبّ علی علیه السلام است
- ۱۱۱ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید
- ۱۱۱ اولین سوال قیامت درباره ی محبت به علی علیه السلام است
- ۱۱۳ محبت به علی علیه السلام مَحَك نَسَب فرزندان
- ۱۱۳ پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام
- ۱۱۴ محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان
- ۱۱۴ دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت
- ۱۱۴ دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه ی یهود و نصاری
- ۱۱۵ نابودی دشمنان علی علیه السلام
- ۱۱۶ نابینایی در روز قیامت
- ۱۱۶ سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام!؟
- ۱۱۶ محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام
- ۱۱۷ دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست
- ۱۱۷ جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش
- ۱۱۸ محافل و مجالس به واسطه ی حب علی علیه السلام زینت داده می شود
- ۱۱۹ منابع و مأخذ:
- ۱۲۳ درباره مرکز

چشمه حیات (فضائل امیرالمومنین علیه السلام و شیعیان)

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابراهیمی هرستانی، احمد، ۱۳۵۸.

عنوان و نام پدیدآور: چشمه حیات، احمد ابراهیمی هرستانی.

مشخصات نشر: اصفهان: قائمیه ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. فضائل و مناقب

صفحه آرا: عبدالحمید کریمی

ناشر مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مراکز پخش: ۱- اصفهان. خیابان مسجد سید، روبروی خیابان پنج رمضان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۲- اصفهان. خیابان حکیم، روبروی مسجد حکیم، کتابسرای حکیم

۳- اصفهان. خیابان عبدالرزاق، بازار ریسمان، کتابسرای طیب

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم به اول مظلوم عالم إمام الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الدِّينِ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام

ص: ۵

حمد و سپاس خداوندی را که حمد را سر آغاز کتابش و باعث زیاد شدن فضلش و دلیل بر انعام خود قرار داد و سلام بی پایان الهی به شریف ترین و عظیم ترین بندگان و هادیان بشر، حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام که ما را به دین حنیف راهنمایی نمودند.

یکی از راه های معرفت و شناخت محمد و آل محمد علیهم السلام ورود به اقیانوس فضائل و مناقب آنهاست به طوری که هر کس بدان رسید به علوم و معارف و قدرت عظیم ولایت خواهد رسید. بر این اساس این رساله چشمه ای از اقیانوس فضائل امام المومنین و قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ - علی بن ابیطالب علیه السلام - است که حیات دهنده به شیفتگان و عاشقان آن حضرت بوده و بر این اوراق تنظیم گردیده است. علاوه بر آن برخی فضائل شیعیان و دوستان آن حضرت را به طور خلاصه اشاره شده است.

این مجموعه تلاش کوچکی است در راستای معرفی بخشی از معارف ولایت علوی به محبین آن حضرت علیه السلام. امید است که مورد عنایت ایشان قرار گیرد.

در پایان لازم است از همکاری دلسوزانه و مشفقانه سرور ارجمند استاد مکرم و معزز، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی تشکر و قدردانی نمایم که از ابتدای این رساله ما را مرهون یاری و مساعدت خود نمودند.

مسکین آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم احمد ابراهیمی هرستانی

... عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ... قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«مَا اكْتَسَبَ مُكْتَسَبٌ مِثْلَ فَضْلِ عَلِيٍّ، يَهْدِي صَاحِبَهُ إِلَى الْهُدَى وَ يَرُدُّهُ عَنِ الرَّدَى.» قال أخرجه الطبرانی (١)

از عمر بن خطاب روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچکس به اندازه علی علیه السلام به کسب فضایل نائل نیامده است، فضائل آن حضرت به اندازه ای است که هر کس به حقیقت آن برسد، او را به راه راست هدایت می کند و از گمراهی رهایی می بخشد.

«طبرانی» هم این روایت را نقل کرده است.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ الطُّوسِيُّ يَقُولُ؛ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ:

مَا جَاءَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا جَاءَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (٢)

محمد بن منصور طوسی روایت کرده است که از احمد بن حنبل شنیدم که می گفت:

ص: ۱۵

۱- فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲- مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۰۷.

فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه ای است که برای هیچیک از صحابه ی پیغمبر، آنچنان فضائلی ذکر نشده است.

قَالَ ابْنُ عَسَاكِرَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَخْرَجَ ابْنُ عَسَاكِرَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ مِائَةٍ آيَةٍ. (۱)

ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده است، آیاتی که در قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام روایت شده، در باره ی هیچ یک از صحابه، نازل نشده است.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ وَ الْجِنُّ حُسَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ (۲)

ای ابا الحسن! اگر دریاها مرکب، درختان جنگلها قلم، انسانها نویسندگان و جینان حسابگر شوند نمی توانند فضائل تو را بشمارند.

وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

أَتَانِي جِبْرَائِيلُ وَقَدْ نَسَرَ جَنَاحَيْهِ وَإِذَا عَلَيَّ أَحَدُهُمَا مَكْتُوبٌ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ وَ عَلَيَّ الْآخِرِ مَكْتُوبٌ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيَّ الْوَصِيِّ

و از کتاب مناقب حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل در حالی که دو بالش را گسترده بود نزد آمد، بر یکی از دو بالش نوشته شده بود. خدایی جز

ص: ۱۶

۱- الصواعق المحرقة ص ۷۶، نورالابصار ص ۷۳.

۲- كشف الغمه، اربلی ج ۱، ص ۱۱۱، استرآبادی در تأویل الآیات، ج ۲، ص ۸۸.

خدای بی همتا نیست، محمد پیامبر است. و بر بال دیگرش، این جمله به چشم می خورد:

«خدایی جز خدای بی همتا نیست، علی علیه السلام وصی و جانشین او می باشد.»

اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام

ولادت با سعادت مولی المتقین امام المشارق و المغرب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بنا بر معروف در میان فرقه ی ناجیه در سال سی ام از عام الفیل واقع شده و به همین تاریخ در کتاب شریف اصول کافی تصریح شده است.

تولد آن حضرت با سال سی ام از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مقارن بود زیرا که آن حضرت، در سال عام الفیل، بعد از پنجاه و پنج روز از هلاکت اصحاب فیل به عالم دنیا، قدم گذارد و عالم را به نور قدوم خود، منور نمود و موافقت می کند این تاریخ، با روایتی که نقل شده از حضرت صادق علیه السلام که فاطمه بنت اسد سلام الله علیها که مادر امیر علیه السلام بود نزد ابوطالب علیه السلام شوهرش آمد تا سرور و خوشحالی را با بشارت دادن به ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برای او به ارمغان آورد تا فاطمه بنت اسد سلام الله علیها سخن گفت ابوطالب علیه السلام به او گفت:

صبر کن یک «سَبْت» تا من هم بشارت بزرگی را به تو بگویم به مولودی از تو، که در همه چیز - به غیر از پیغمبری - مثل و مانند همین مولود (یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. و «سَبْت»، سی سال است و میان ولادت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام، سی سال فاصله شد.

و نیز موافق می شود با بعضی از تواریخ که مُفادش این است که ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سال چهل و دوم سلطنت پادشاهی انوشیروان بود و ولادت حضرت امیر علیه السلام در سال دوازدهم پادشاهی خسرو پرویز، واقع گردید. و همانطور که قبل از ظهورِ جَلوات محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارتهای بسیاری بر ولادت او بود که علماء

تاریخ در کتب خود به طور مبسوط، نوشته اند. همانطور نیز قبل از طلوع خورشید علوی، بشارت داده شد به ابوطالب علیه السلام چنانکه جابر انصاری گفت:

راهبی به نام مُثَرِّم بن دُعَیْب (۱) که یکصد و نود سال خدای را عبادت نمود و درخواست و سؤالی در این مدت از خدا نکرد. پس از چندی از خدای متعال خواست که دوست خود را به او بنمایاند پس خداوند حضرت ابوطالب را به سوی راهب فرستاد. و راهب تا ابوطالب علیه السلام را دید از آن حضرت از وطنش، قبیله اش سؤال کرد و تا شنید از کجاست و از کدام قبیله است به تندی برخاست و سر و صورت مبارک حضرت ابوطالب علیه السلام را بوسید و گفت:

الحمد لله که خدا مرا از دنیا نبرد تا دوست خدا را شناختم. ای ابوطالب! بشارت باد تو را که حق تعالی، مرا الهام نمود که بیرون می رود از صُیْلَب تو، فرزند پسری که او ولی الله است و نامش علی علیه السلام است و اگر تو او را دریافتی و دیدی، از من به او سلام برسان.

زلزله ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام

زمانی که فاطمه بنت اَسَد، امیرالمومنین علیه السلام را در رَحِم خود داشت. زلزله ای شدید اهالی مکه را فرا گرفت به طوری که در موقع زلزله، از شدت حرکت زمین، بت ها به رو در می افتاد و کوهها، از هم متلاشی می شد و بر روی زمین می ریخت و مردم متوسل به بت ها شدند تا شاید رفع زلزله کنند و آنان را از این امر عظیم نجات دهند ولی خبری از نجات نشد، تا آنکه شبی از شبها امر زلزله شدیدتر شد و کار بر اهل مکه بسیار سخت و طاقت فرسا شد آنان تصمیم گرفتند بت ها را به جای بلندی ببرند تا شاید موثر واقع شده و زلزله کمتر شود ولی دیدند هیچ مؤثر

ص: ۱۸

واقع نشد، ناچار شدند به پیش حضرت ابوطالب علیه السلام آمده، دست تو سل به دامن سید قریش بزنند.

حضرت ابوطالب علیه السلام نیز ردای عربی خود را پوشید و با شکوه و عظمتی به بالای کوه رفت و فریاد بلندی زد که همه آن را می شنیدند، فرمود:

أیها الناس! ای مردم در این شب مخلوقی پا به عرصه ی زمین می گذارد که اگر اطاعت او را، نیت نکنید و اقرار به امامت و ولایت او ننمایید، این زلزله، دست بردار نیست تا زمین را زیر و زبر کند، اهالی مکه همه اقرار بر امامت و ولادت آن حضرت نمودند، پس حضرت ابوطالب علیه السلام دستهای خود را بلند نمود و گفت:

«إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَشَأْلكَ بِالْمَحْمُودِيَّةِ وَالْمَعْلُوبِيَّةِ الْعَالِيَةِ وَ بِالْفَاطِمِيَّةِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ تِهَامَةً بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ» (۱)

پس آن زلزله، تسکین یافت و عرب از آن موقع به بعد عادت و رسم بر این شد تا شدايد عمومی یا خصوصی، آنها را فرا می گرفت به همین نُهج، دعا می کردند و دعای آنها مستجاب می شد ولی مصداق و مفهوم آن را نمی دانستند.

و بالجمله، چون امر زایمان فاطمه بنت اسد نزدیک شد، نزد مسجدالحرام آمد. و گفت «پروردگار من، ایمان دارم به تو و تصدیق می نمایم به آنچه تو فرستاده ای به سوی خلق، از پیامبران و کتاب هایی که نازل فرموده ای و تصدیق نمودم به کلام جدم ابراهیم، خلیل الرحمان، خدایا به حق آن کسی که بنا کرد این خانه را و به حق این مولودی که در شکم من است، امر ولادت او را بر من، آسان کن». پس در باز شد و فاطمه داخل خانه شد. فاطمه گفت: دیدم چهار تن از زنان عظیمه الشان، حواء، مریم، آسیه و مادر موسی علیه السلام و غیر آنها، از زنان بهشتی را.

ص: ۱۹

پس به نحوی که در موقع ولادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار نمودند، در این مورد هم، به جا آوردند.

چون حضرت علی علیه السلام متولد شد، سجده برای خداوند به جا آورد و شهادتین بر زبان جاری کرد و بر مادرش و زنان بهشتی سلام کرد و در این هنگام آسمان از نور پیشانی اش نورانی شد. پس مادرش فاطمه او را کودکی پاکیزه یافت، او را برداشته از خانه ی کعبه بیرون آمد.

در خانه ی حق، علی چون آمد به وجود

صد گونه شرف بر شرف کعبه فزود

تبریک فرستاد خدایش به درود

کز خلقت خانه ام همین بُد مقصود

اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش

به روایتی میان پدر و مادر در تسمیه ی نام علی علیه السلام صحبت و مجادله ای در افتاد و بعد از چند روز به درب حرم آمدند و مادر امیرالمؤمنین علیه السلام رو به سوی آسمان کرده، چیزی آغاز کرد که یک بیتش این است:

بَيْنَ لَنَا بِحُكْمِكَ الْمَرْضَى

مَا ذَا تَرَى مِنْ هَذَا الصَّبِيِّ

یعنی الهی، حکم فرما آنچه رضای توست در نام این کودک، ناگاه از بام خانه ی کعبه ابیاتی رسید که هاتفی می خواند و آن ابیات یک بیتش این است:

فَأَسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ

عَلِيٍّ أَشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ

نام بلند او علی است، علی از علی مشتق است. سپس پیامبر فرمودند: کجاست آن مولود؟ او را از غایت محبت و نهایت شفقت از گهواره بیرون آورده، آبی طلب نموده به دست حق پرست خود شستن را آغاز کرد، چون طرف راست حضرت علی علیه السلام را شست، خود به خود بدن مبارک علی علیه السلام به طرف چپ مایل شد بی آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن سرور را بگردانند.

به وقت غسل از آن گشت از بری به بری

که زحمتی نکشد دست حضرت از بر او

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون این حال را مشاهده کرد، آنقدر گریست که محاسن مبارکش از آب دیده تر شد. مادر امیرالمومنین و حضرت ابوطالب علیهما السلام رو به پیغمبر کرده، گفتند: یا رسول الله! سبب گریه ی شما چیست؟ گفت: می بینم این کودک مرا غسل می دهد، من هم در پیش او می گردم بی آنکه مرا بگرداند: در روز اول علی را من غسل دادم، روز آخر او مرا غسل خواهد داد. چون از غسل دادن فارغ شد مدت مزیدی زبان در دهان علی علیه السلام گذاشت، از این رو گوشت و پوست و خون علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روید.

حال آیا کسی که اینچنین تولدش با عظمت و شوکت تمام، توسط اول سیرور عالمین، حبیب خدا غسل داده شده و مورد احترام قرار گیرد افضل بشر نخواهد بود، چه کسی است از صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این گونه مورد احترام و عظمت واقع شده باشد؟ (۱)

اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود

در صحاح اخبار به تواتر رسیده است که در ابتدا، هر چه مادرش، فاطمه بنت اسد سلام الله علیها می خواست او را شیر دهد، پستان در دهانش می گذاشت، ولی آن حضرت قبول نکرده گریه آغاز می نمود، مدتی بر این نهج بود، چون خبر به سرور کائنات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید آمد و در کنارش قرار گرفت و زبان در دهانش نهاد و بعد از مکیدن زبان، شیر مادر خورد. المقصود به هر وجه اول چیزی که امیرالمؤمنین

ص: ۲۱

علی علیه السلام خورد لعاب دهان با برکات آن سرور است و از میمنت ترشحات لعاب آن نبی که سرچشمه ی اسرار «وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ بَعْدَ بَرْتَبِهِ أَيْ دَانَا شَدَّ كَهْ بِرْ مَنْبِرٍ آمَدَهْ فَرْمُود: سَلُونِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ

علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد

چون علی علیه السلام متولد شد، ابوجهل به سرعت خود را به مسجدالحرام رسانید و خواست در چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرمه ای بکشد هر چند تلاش کرد نتوانست انگشتان خود را بر چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام گذاشته، نتوانسته چشمان مولا را باز نماید در آن حال، با قوت الهی، دستان امیرالمؤمنین علیه السلام چنان سیلی بر صورت ابوجهل گذاشت که بر زمین افتاد و گردنش کج شد و آن ناراست تا آخر عمرش بود و ناراستی آن لعین به خلق عالم می نمود. مادر امیرالمؤمنین علیه السلام از این معنی اندوهگین گشته گفت:

ای فرزند دلبندم چرا دیده نمی گشایی و نظری به عالم نمی فرمایی؟

در این حال الهام یک مَلَكٌ به سید انام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - رسید که: «ابن عمّ تو متولد شده، بشتاب و او را دریاب.»

آن حضرت در مسجدالحرام آمد و علی علیه السلام را در دامن گرفت، در آن لحظه، امیرالمؤمنین علیه السلام تا بوی گیسوی مشکبار محبوب آفریدگار به مشامش رسید، دیده بر جمال جهان آرای او گشود و سلام و تحیت او به جا آورده، او را ستود و سرمه ی «مَا زَاغَ الْبَصَرُ» در دیده ی آن کشید(۱)

به جز رسول بر روی کسی نظر نگشاد

که از اَزَلْ نظری داشته به منظر او

ص: ۲۲

علاقه ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام

قَالَ: فَوَلَدَتْ عَلِيًّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ رَجَبٍ سِنَةَ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ وَلَمْ يُوَلَدْ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مَوْلُودٌ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سِوَاهُ إِكْرَامًا مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَاجْتِلَالًا لِمَحَلِّهِ فِي التَّعْظِيمِ

وَكَانَ يَوْمَئِذٍ لِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ الْعُمَرِ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَأَحْبَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ حُبًّا شَدِيدًا وَقَالَ لَهَا اجْعَلِي مَهْدَهُ بِقُرْبِ فِرَاشِي. وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَوَلَّى أَكْثَرَ تَرْبِيَّتِهِ وَكَانَ يُطَهِّرُ عَلِيًّا فِي وَقْتِ غَسِيلِهِ وَيُوجِرُهُ اللَّبَنَ عِنْدَ شُرْبِهِ وَيَحْرُكُ مَهْدَهُ عِنْدَ نَوْمِهِ وَيُنَاقِضُهُ فِي يَفْقَظَتِهِ وَيَحْمِلُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَيَقُولُ:

هَذَا أَخِي وَوَلِيِّي وَنَاصِرِي وَصَفِيِّي وَخَلِيفَتِي وَكَهْفِي وَنَاطِرِي وَوَصِيِّي وَزَوْجِ كَرِيمَتِي وَأَمِينِي عَلَى وَصِيَّتِي.

وَكَانَ يَحْمِلُهُ عَلَى كَتِفِهِ دَائِمًا وَيَطُوفُ بِهِ فِي جِبَالِ مَكَّةَ وَشِعَابِهَا وَأُودِيَّتِهَا. (۱)

راوی گوید: علی علیه السلام در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از «عام الفیل» دیده به جهان گشود و پیش از او و پس از او هیچکس در خانه ی خدا متولد نشد، تا خداوند به این وسیله، عظمت و مقام او را بنمایاند. هنگام تولد علی علیه السلام، سی سال از عمر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود و سخت علی علیه السلام را دوست می داشت و دستور داد تا گهواره ی او را در کنار بسترش قرار دادند و بیشتر اوقات تربیت و حضانت او به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت می گرفت و

ص: ۲۳

هنگام نیاز، بدنش را می شست و در موقع خوردن شیر، او را در پناه خود می گرفت و گهواره اش را می جنبانید و در بیداری سرگرمش می کرد و او را به سینه ی خود می گرفت و می فرمود:

«او برادر و ولی و یاری کننده و برگزیده و جانشین و ملجأ و چشم و وصی و همسر دخت و امین وصیت من است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را بر دوش خود سوار می کرد و به کوهها و درّه ها و بیابانهای اطراف مکه می برد.

خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِلْخَوَارِزْمِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ سُئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ؟

فَقَالَ: خَاطَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَلْهَمَنِي أَنْ قُلْتُ يَا رَبِّ خَاطَبْتَنِي أُمُّ عَلِيٍّ؟

فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ أَنَا شَيْءٌ لَيْسَ كَالْأَشْيَاءِ وَ لَا أِقَاسُ بِالنَّاسِ وَ لَا أُوصَفُ بِالأَشْيَاءِ خَلَقْتِكَ مِنْ نُورِي وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نُورِكَ فَاطَّلَعْتُ عَلَى سَرَائِرِ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ إِلَيَّ قَلْبَكَ أَحَبَّ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَخَاطَبْتُكَ بِلِسَانِهِ كَيْ يَطْمَئِنَّ قَلْبُكَ (۱)

در مناقب خوارزمی از عبدالله بن عمر روایت شده که گفت:

«از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در پاسخ کسی که از او پرسید خدا در شب معراج با چه زبانی با تو سخن گفت؟

ص: ۲۴

فرمود: با زبان علی علیه السلام، پس به من الهام شد و گفتم خدایا مرا خطاب ساختی یا علی علیه السلام را؟

فرمود: ای احمد صلی الله علیه و آله و سلم من شیئی هستم نه چون اشیاء و با مردم مقایسه نمی کردم و با اشیاء توصیف نمی شوم ولی تو را از نور خویش و علی علیه السلام را از نور تو آفریدم و به رازهای دلت نگاه کردم، دیدم محبوب تر از علی علیه السلام در دلت نیست، لذا با زبان او مخاطبت ساختم، تا دلت آرام گیرد.

گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام

وَمِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ وَسَيِّدَيْكَ قَالَ قَدْ بَلَوْتَ خَلْقِي فَأَيُّهُمْ رَأَيْتَ أَطَوَعَ لَكَ قُلْتُ رَبِّ عَلِيًّا قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً يُؤَدِّي عَنْكَ وَيُعَلِّمُ عِبَادِي مِنْ كِتَابِي مِمَّا لَمْ يَعْلَمُونَ قَالَ قُلْتُ رَبِّ اخْتَرْ لِي إِنَّ خَيْرَ تَكْ خَيْرَتِي قَالَ قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ عَلِيًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً وَوَصِيًّا وَنَحْلَتَهُ عِلْمِي وَحِلْمِي وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا لَمْ يَبْلُغْهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَيْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ رَأْيُهُ الْهُدَى وَإِمَامٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَنُورٌ أَوْلِيَّايِ وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مِنْ أَحَبِّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمِنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَ بَنِي لَوْ لَمْ عَلِيٌّ لَمْ يُعْرِفْ حِزْبِي وَلَا أَوْلِيَّايِ (۱)

در مناقب می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ص: ۲۵

چون مرا به آسمان سیر دادند رسیدم تا سدره المنتهی جایی که ایستادم در پیشگاه خدا عز و جل پس خدواند متعال فرمود:

ای محمد! گفتم: لَبَّيْكَ وَ سَيِّدِيْكَ، فرمود: مخلوقین مرا آزموده ای، کدامیک از آنان، تابع ترند، برای تو؟ گفتم خدایا! علی علیه السلام، فرمود: راست گفستی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا برای خود خلیفه ای برگزیده ای که از طرف تو (وظیفه) را ادا کند؟ و کتابم را به بندگانم در مواردی که نمی دانند آموزش دهد؟ گفتم خدایا تو انتخاب کن برای من، چون انتخاب تو به انتخاب من است؟ فرمود: علی علیه السلام را برایت برگزیدم، پس او را برای خود، خلیفه و وصی بدان و علم و حلم خود را به او می آموزیم و او حقاً امیرالمؤمنین است و کسی به این مقام پیش از او نرسیده و پس از او هم نخواهد رسید، ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی پرچم هدایت و پیشوای کسی است که مرا اطاعت کند و نور اولیای من است و او همان کلمه ای است که بر پرهیزکاران واجب کرده ام، کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته اگر علی علیه السلام نباشد، حزب و اولیای من شناخته نمی گردد.

خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می کند

ابوالحسن فقیه بن شاذان در مناقب الائمه علیهم السلام از طریق عامه با استناد از امام جعفر صادق علیه السلام از محمد باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صبح امروز جبرئیل امین علیه السلام بر من نازل شد در حالی که خوشحال و مسرور بود. از او سؤال کردم:

به چه علت مسرور و خوشحال هستی؟

جواب داد: ای محمد! چگونه خوشحال و مسرور باشم، همانا تو توسط برادر و وصی و امام امت علی بن ابیطالب علیه السلام پیروز شدی. همانا دیشب خدای تبارک

و تعالی به خاطر عبادت کردن علی علیه السلام نزد فرشتگان و حاملان عرش به ایشان افتخار کرد و فرمود:

ای فرشتگان من! به حجتم در زمین بعد از پیامبرم - محمد صلی الله علیه و آله و سلم - نگاه کنید، همانا صورت خود را برای تواضع نزد من و عظمت من به خاک می مالدم، پس ای فرشتگان من! شما را شاهد می گیرم که او امام خلق من و ولی آنهاست. (۱)

سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه ی خاص خداوند به علی علیه السلام

«شیخ بُرُسی» با استفاده از ابن عباس روایت کرده است:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آب خواستند در حالی که حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نزد ایشان بودند. پس برای ایشان آب آوردند و از آن نوشیدند. سپس به امام حسن علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز آب نوشیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمودند:

«هَئِنَّا مَرِيئًا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ» نوش جانت باشد!

پس به امام حسین علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر جانت ای اباعبدالله!»

سپس به فاطمه سلام الله علیها تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر تو ای فاطمه ای سرور زنان عالم.»

پس آب را به علی علیه السلام دادند و ایشان نیز نوشیدند. پس یکباره سجده کردند. بعضی از زنان ایشان عرض کردند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به حسن و حسین علیهما السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها آب دادی و به آنها فرمودی: «هَئِنَّا مَرِيئًا» اما وقتی به علی علیه السلام آب دادی سجده کردی، چرا؟!

ص: ۲۷

ایشان فرمودند: وقتی من آب نوشیدم شنیدم، جبرئیل و فرشتگان به من گفتند: گوارا باشد بر تو ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .

آنگاه که حسن علیه السلام آب نوشید جبرئیل امین علیه السلام و فرشتگان به او نیز همان را گفتند که به من گفته بودند من هم همان را به حسن علیه السلام گفتم

و وقتی حسین و فاطمه سلام الله علیها آب نوشیدند شنیدم جبرئیل امین و فرشتگان نیز به آنها می گفتند:

گوارا باشد بر جانتان، اما وقتی به علی علیه السلام آب دادم شنیدم خدای تبارک و تعالی فرمودند: «هَيِّنًا مَرِيئًا يَا وَلِيَّيْ وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي» گوارا باشد بر تو ای ولیم و حجت بر خلقم به من به خاطر همین سجده کردم و خدا را به خاطر نعمتی که برای اهل بیتم فرستاده است شکر کردم.» (۱)

علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده ی اسرار است

شیخ صدوق «قدس سره» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ (۲)

من مظهر و نمایش دهنده ی علم خداوندم و قلب خدا هستم که اسرار و علوم خود را در آن نگهداشته است، لسان گویای پروردگار و چشم بینای او هستم و من جنبُ اللّهم یعنی جانب او هستم که تمام خلق امر شده اند به آن جانب توجه

ص: ۲۸

۱- مدینه المعاجز، ص ۱۵۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۸، ح ۲۵. التوحید: ص ۱۶۴ ح ۱.

کند و قرب خداوند جز با تقرب به من برای کسی حاصل نشود و من دست توانای حق تعالی می باشم.

نسبت هایی که در حدیث ذکر شده است جنبه احترامات والای امیرالمؤمنین علیه السلام است و گرنه ذات مقدس الهی پاک و منزّه، از داشتن اعضاء و اجزاء است.

امر ملا اعلی بر عهده ی علی علیه السلام است

مُقَدَّاد بن أَشْوَد نقل می کند: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«... أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَّا بِإِذْنِي وَفِي يَوْمِ يَزْتَابُ الْمُبْطِلُونَ» (۱)

من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمانها و زمین هستم و در آسمان ها فرشته ای قدم از قدم بر نمی دارد مگر به اجازه ی من و درباره ی من اهل باطل به شک و تردید افتادند.

هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود

مُحَمَّد بن أَبِي الْفَوَارِسِ در کتاب «اربعین» می نویسد: «حدیثی از عایشه نقل شده که گوید: من شخصی را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از علی و فاطمه سلام الله علیها ندیدم.

آنگاه سخن خود را چنین ادامه می دهد: روزی در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودم که حضرت فاطمه سلام الله علیها رو به پیامبر کرد و عرض نمود: جانم فدای تو ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، برای من چه فضیلتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يَا فَاطِمَةُ! أَنْتِ خَيْرُ النِّسَاءِ فِي الْبَرِّيَّةِ وَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِهَا.

ص: ۲۹

ای فاطمه! تو بهترین زنان در میان آفریدگانی و تو بانوی بانوان بهشتی و اهل بهشت هستی. فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: ای رسول خدا! چه فضیلتی برای پسر عمویت است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يُقَاسُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ. كَسَىٰ مِنْ آفْرِدْكَانِ خَدَا بَا أَوْ مَقَايسَه نَمَىٰ شُود.»

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: برای دو فرزندم - حسن و حسین علیهما السلام - چه فضیلتی است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هُمَا وَلَدَايَ سِبْطَايَ وَ رِيحَانَتَايَ أَيَّامَ حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي.

آنان فرزندان من و نوادگان و دو گل ریحان من در دوران زندگی و پس از وفاتم هستند.

عایشه گوید: در این بین که آن دو مشغول حرف زدن بودند ناگه علی علیه السلام آمد، رو به پیامبر خدا کرد و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد! نظر شما درباره ی من چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! من، تو، فاطمه سلام الله علیها حسن و حسین علیهم السلام در بهشت در قصری از دُر خواهیم بود، این قصر در زیر عرش خداوند متعال است که اساس آن از رحمت و پیرامونش از رضوان است.

يَا عَلِيُّ! بَيْنَكَ وَ بَيْنَ نُورِ اللَّهِ بَابٌ فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ عَلَىٰ رَأْسِكَ تَاجٌ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ أَنْتَ تَزْفُلُ فِي حُلَلِ حُمْرٍ وَرْدِيَّةٍ وَ خَلَقَكَ وَ خَلَقَنِي رَبِّي وَ خَلَقَ مُحِبِّينَا مِنْ طِينِهِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ خَلَقَ مُبْغِضِينَ مِنْ طِينِهِ الْخَبَالِ

ای علی! بین تو و بین نور خدا دری است که تو به آن نگاه می کنی و آن به تو، بر سر تو تاجی از نور است که نورش میان شرق و غرب عالم را روشن می کند، تو در میان لباس هایی که به رنگ گل سرخ است افتخار می نمایی. پروردگرم تو و مرا آفریده است و دوستان ما را از طینت زیر عرشی آفریده و دشمنان ما را از گلِ چرکین اهل دوزخ آفریده است. (۱)

حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می درخشد

سُلَیْم بن قَیْس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود: علی علیه السلام در آسمان هفتم برای اهل آنجا می درخشد همانطور که خورشید برای اهل زمین فروزندی دارد و در آسمان دنیا برای اهل زمین همانند ماه است در شب تاریک و در ادامه فرمود:

أَعْطَى اللَّهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ جُزْءًا لَوْ قَسَمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ اسْمُهُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشْرَنِي بِهِ رَبِّي.

خداوند به حضرت علی علیه السلام به اندازه ای فضیلت بخشیده است که اگر بر اهل عالم تقسیم شود همه را کفایت می کند و به اندازه ای علم و دانش به او عطا کرده است که اگر بر افراد روی زمین تقسیم شود همه را کفایت می کند یعنی همگی عالم می شوند نام او بر همه پرده های بهشت نگاشته شده است پروردگرم مرا به وجودش مژده داد... (۲)

ص: ۳۱

۱- ترجمه القطره ج ۲ ص ۳۳۸، به نقل از اربعین ابن ابی الفوارس: ج ۳۲ مخطوط.

۲- امالی صدوق، ص ۵۷ ح ۷ مجلس ۲، بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۳۷، ح ۷ - انوار النعمانیة، ج ۱، ص ۲۴.

سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام

ابراهیم نخعی می گوید: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفتند، هاتفی در آسمانها ندا داد: ای محمد، خداوند عزوجل همیشه بر تو سلام دارد و می گوید:

أَقْرَأَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ مِنِّي السَّلَامَ

سلام مرا به علی بن ابیطالب برسان. (۱)

هدیه ی خداوند متعال به علی علیه السلام

در مصابیح القلوب و سیره النبی و کفایه المؤمنین از امام حسین علیه السلام مروی است که گفت:

«روزی پدر من کنار فرات رفت جهت غسل در آب شد. ناگاه موجی برآمده پیرانش برد. چون بیرون آمد، هاتفی گفت: «أَنْظُرُ عَنْ يَمِينِكَ وَ خُذْ مَا تَرَى».

چون نگاه کرد پیرهنی دید در دیبایی پیچیده، فرا گرفت. رقعۀ ای از گریانش افتاد که بر او نوشته بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَيْدِهِ هَيْدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ هَذَا قَمِيصُ يورثِ عِمْرَانَ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاها قَوْمًا آخِرِينَ».

یعنی، این تحفه ای است از خداوند عزیز حکیم به سوی علی بن ابیطالب علیه السلام، این هدیه، قمیص است که ارث داده شده است عمران علیه السلام را، همچنین میراث می دهم او را به قومی دیگر. (۲)

ص: ۳۲

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶ - بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۲۰، المناقب ج ۲ ص ۲۲۹.

۲- مناقب مرتضوی، ص ۱۶۰.

شیخ صدوق رَحْمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در کتاب «أَمَالِي» از سعید بن جبیر نقل کرده است که گفت: نزد ابن عباس آمدم و به او گفتم: ای پسر عموی رسول خدا آمده ام تا از تو درباره ی علی بن ابیطالب علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به او سؤال کنم. فرمود: ای پسر جبیر، آمدی تا از کسی که در یک شب سه هزار منقبت برای او حاصل شده، سؤال کنی؟ آمدی تا از وقتی رسول خدا و جانشین او و صاحب حوض و پرچم و شفاعت سؤال کنی؟ سپس فرمود: به حق کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ختم رسولان اختیار کرد از آغاز خلقت تا انتهای آن همگی که بنویسند نمی توانند یک دهم از فضائلی را که خدا به او مرحمت کرده، بنویسند.

مراد از آن شبی که در کلام ابن عباس ذکر شد و سه هزار منقبت برای علی علیه السلام است، شب هفدهم ماه مبارک رمضان است که «لَيْلَةُ الْقُرْبَةِ» نامیده شده و جنگ بدر در فردای آن واقع شده است و سید حمیری رَحْمَهُ اللهُ عَلَيْهِ در اشعار خود به آن اشاره کرده است، می گوید:

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلِهِ

عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَ جِبْرِيلُ

مِيكَالٌ فِي أَلْفٍ وَ جِبْرِيلُ فِي

أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سَرَّافِيلُ

لَيْلَهُ بَدْرٌ مَدَدًا أَنْزَلُوا

كَأَنَّهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلُ

فَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حُدُوهُ

وَ ذَاكَ إِعْظَامٌ وَ تَبَجِيلٌ (۱)

و او کسی است که سلام کرده است در یک شب، بر او میکائیل و جبرئیل. میکائیل در میان هزار فرشته و جبرئیل در میان هزار فرشته و به دنبال آنها

ص: ۳۳

اسرافیل در میان هزار فرشته در شب جنگ بدر به عنوان یاری و کمک اینها نازل شدند، همانند ابرهای پرنده های ابابیل که بر لشکر ابرهه فرود آمدند. پس همگی سلام کردند چون بر قدمهای او فرود آمدند و این به خاطر احترام بزرگداشت آن حضرت بوده است).

برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه ی علی علیه السلام

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا إِسْمَاعِيلُ فَقَدْ سَمِعْتُ دُعَاءَكَ فِيهِ وَ قَدْ بَارَكْتُهُ وَ سَأْتُمِرُهُ وَ أَكْثَرُهُ جِدًّا وَ أَجْعَلُ مِنْهُ اثْنَيْ عَشَرَ شَرِيفًا يُؤَلَّدُ وَ أَجْعَلُهُ حِزْبًا عَظِيمًا

خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود دعای تو را درباره ی فرزندان اسماعیل شنیدم، وجود او را، پر برکت ساخته و او را به ثمر خواهم رساند و از وی دوازده فرزند که نسل پاکت را گسترش داده و در نهایت امتی بزرگ از صالحان و نیکوکاران پدید آورند، به وجود خواهم آورد. تردیدی نیست که علی علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان دوازده گانه است. (۱) و این فضیلتی است که هیچ کس با او همتا نخواهد بود.

اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام

«رَوَى أَخْطَبُ خُوَارِزْمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا

ص: ۳۴

۱- کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین علیه السلام، ص ۶. (فضائلی است که در تورات درباره ی آن حضرت بیان شده است)

بُعُثُوا قَالَ عَلِيٌّ مَا بُعُثُوا قَالَ عَلِيٌّ وَلَا تَيْتِكَ وَلَا يَهُ عَلِيٌّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. « (۱)

خطیب خوارزم از عبدالله بن مسعود بازگو نموده که گفت: فرشته ای نزد آمد و پیامی از سوی خداوند آورد که فرمود: ای محمد! از پیامبرانی که قبل از تو مبعوث شدند، سؤال کن که برای چه مبعوث شدند؟ گفتم: شما بگویید برای چه مبعوث گردیدند؟ در جوابم گفتم: اساس مأموریت و بعثت آنها، بر ولایت تو و علی بن ابیطالب علیه السلام استوار بوده است.

قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَكْتُوبٌ عَلَيَّ يَابِ الْجَنَّةِ لَمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَنَى عَامٍ (۲)

و در کتاب مناقب از جابر بن عبدالله انصاری روایتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو هزار سال پیش از خلقت آسمان و زمین (با قلم قضا) بر در بهشت نوشته شده بود محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و پیامبر خداست و علی بن ابیطالب علیه السلام برادر اوست.»

ص: ۳۵

۱- مناقب خوارزمی، فصل نوزدهم، ص ۲۲۱، فرائد السمطين حموی، ج ۱ ص ۸۱ شماره ۵۲ - شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۵۶.

۲- مناقب خوارزمی فصل چهاردهم ص ۹۰ - احقاق الحق ج ۴ ص ۸۹.

خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی علی علیه السلام پیمان بسته است

عَنْ أَبِي بَرْزَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ فِي عَهْدِي عَهْدًا قُلْتُ يَا رَبِّ بَيْنَهُ لِي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَمِعْ قُلْتُ سَمِعْتُ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا رَأَيْتَهُ الْهُدَى وَ إِمَامًا أَوْلِيَانِي وَ نُورٌ مِّنْ أَطَاعِنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَن أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَ مَن أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ

قال فَبَشَّرْتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ فِي فَبَضَّتِهِ فَإِنْ يُعَذِّبُنِي فَبِدُنْبِي وَ لَنْ يَظْلِمَنِي وَ إِنْ يُنِّمَ الَّذِي بَشَّرَنِي بِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِ قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ أَجِئْ قَلْبَهُ وَ اجْعَلْ رِيبَهُ الْإِيمَانَ بِكَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنِّي أَسْتَخِصُّهُ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَا أَحْصُ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِكَ فَقُلْتُ يَا رَبِّ أَخِي وَ صَاحِبِي فَقَالَ اللَّهُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ قَدْ سَبَقَ أَنَّهُ مُبْتَلَى وَ مُبْتَلَى بِهِ (١)

ابو بَرَزَة از پیامبر نقل کرد که حضرت فرمودند:

خدای متعال درباره ی علی علیه السلام بر من عهد و پیمانی بسته است.

گفتم: پروردگارا برایم او را بیان بنما.

خدای با قدرت و بزرگ فرمود: بشنو. گفتم: شنیدم.

فرمود: علی علم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی کسی است که مرا اطاعت کند و او همان کلمه ای می باشد که پرهیزکاران بر خود لازم کرده اند، هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است پس به او مژده بده.

ص: ۳۶

۱- مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ابن مغزلی شافعی، ص ۹۴، نشر دارالأضواء.

پیامبر گفت: به او مژده دادم و علی گفت: من بنده ی خدا و در قبضه ی قدرت او هستم اگر مرا عقوبت کند به سبب گناه من است و بر من ستم نکرده است و اگر آن چه را که به من بشارت داده، تمام کند، خدا به او سزاوارتر است.

گفتم: خدایا قلب او را روشنی ده و بهار او را ایمان به خود قرار بده پس خدای با قدرت و بزرگ فرمود:

به تحقیق آن چه را که خواستی پذیرفتم.

پس به درستی که خدا بر من پیمانی بسته که امتحان سنگینی را به او اختصاص دهم که به هیچ یک از اصحاب خودم اختصاص نداده ام. پس گفتم: ای پروردگار من، علی، برادر و رفیق من است. خداوند فرمود: به تحقیق این امری است که گذشته است که او خود امتحان می شود و به سبب او دیگران امتحان می شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

حَقُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وُلْدِهِ

نقل کرد به ما ابو عباس احمد فرزند محمد فرزند سعید فرزند عقده ی حافظ که گفت حدیث کرد به ما عیسی فرزند عبدالله محمدی از فرزندان علی فرزند محمد فرزند عمر فرزند علی علیه السلام گفت: نقل کرد به من پدرم از پدرش از جدش علی علیه السلام که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان است.

ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام

«مَوْفَّقُ بْنُ أَحْمَدَ خَوَارِزْمِيٌّ» از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح خیبر فرمود:

اگر اندیشه نمی کردم از اینکه بگویند طوایفی از امت من در حق تو آنچه نصاری در حق عیسی بن مریم علیه السلام گفتند هر آینه امروز در فضل تو سخنی می گفتم که بر هیچ گروهی از مسلمانان نگذری مگر آنکه به خاک کفش تو تبرک جویند و به زیادی آب وضوی تو استشفاء نمایند و ...

گر نبودی خوف، دُرْها سُفْتَمی

آنچه در دل بود یکسر گُفْتَمی

لیک با این قوم که کورند و کر

چون توام گفت اوصاف قَمَر (۱)

جدایی از علی، جدایی از رسول

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَارَقَنِي وَ مَنْ فَارَقَنِي فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ (۲)

هر کس از علی علیه السلام جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شد از خدا جدا شده است.

علی علیه السلام به منزله ی کعبه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ عَلِيٍّ فِيكُمْ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ الْمَشْتُورَةِ النَّظْرُ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ وَ الْحُجُّ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ. (۳)

ص: ۳۸

۱- الفصول العلیه، شیخ عباس قمی، ص ۴۶.

۲- المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ف ص ۱۲۳، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۸ و تاریخ دمشق ج ۲ ص ۲۶۸ و ...

۳- تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۰۶ ح ۹۱۲ و مناقب ابن مغزلی ص ۱۰۷ ح ۱۴۹.

مثل علی در میان شما مثل همین کعبه است که نگاه کردن به آن عبادت و حق آن واجب است.

پیامبر در جای دیگر فرمودند: یا علی! تو به منزله ی کعبه ای که همه به سوی او می آیند ولی او به سوی کسی نمی آید. (۱)

نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه ی امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن مغزالی علی بن محمد شافعی در این موضوع دو حدیث آورده است؛ اول حدیثی است که با اسناد خود از آنس بن مالک در «مناقب» خود ذکر کرده است و علامه بحرانی نیز در «غایه المرام» صفحه ی ۴۰۹ عین این حدیث را از او روایت کرده است.

عَنْ أَنَسٍ قَالِ انْقَضَ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ انْقَضَ هَذَا النُّجْمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي، فَانْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَالنُّجْمُ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى

عَنْ أَنَسٍ قَالِ انْقَضَ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ انْقَضَ هَذَا النُّجْمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي، فَانظَرُوا فَإِذَا هُوَ انْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَالنُّجْمُ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى

ص: ۳۹

انس گوید: ستاره ای در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خم می شد (یعنی به شکل خط نورانی در حرکت بود) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس که این ستاره، در خانه ی او فرود آید او بعد از من جانشین من خواهد بود. چون مردم نگریستند، دیدند آن ستاره در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمد و خداوند متعال این آیه را فرستاد:

«سوگند به آن ستاره ی درخشان هنگامی که فرود آمد، که صاحب شما گمراه نگشته و اغوا نشده است و از روی هوای نفس تکلم نمی کند (و راجع به خلافت و وصایت ابن عم خود امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خود چیزی نمی گوید، تمام گفتار او وحی است که از جانب حضرت رب العزه به او وحی گردیده است)».

دوم، حدیثی است که ابن مغزلی نیز در «مناقب» خود با اسناد خود از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت نموده است و علامه بحرانی در صفحه ۴۰۹ از «غایه المرام» نیز از ابن مغزلی روایت می کند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ فِئْتِهِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا انْقَضَ كَوْكَبٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنِ انْقَضَ هَذَا النَّجْمُ فِي مَنْزِلِهِ فَهُوَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي فَقَامَ فِئْتِهِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَنَظَرُوا فَإِذَا الْكَوْكَبُ قَدْ انْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَوَيْتَ فِي حُبِّ عَلِيٍّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَ النَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى

ابن عباس گوید: من با گروهی از جوانان بنی هاشم در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که ناگهان ستاره ای بسیار نورانی حرکت نمود و می خواست فرود آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این ستاره در منزل هر کس فرود آید او بعد از من وصی من خواهد بود. جماعتی از آن جوانان بنی هاشمی برخاستند که بنگرند ستاره در خانه ی که فرود می آید، دیدند که در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود

آمده، پنهان شد. گفتند ای رسول خدا درباره ی محبت بر علی بن ابیطالب مفتون شدی و به ضلال و غوایت افتادی. خداوند این آیه را فرو فرستاد که:

«سوگند به آن ستاره ای که فرود آمد صاحب شما گمراه نشده و به غوایت در نیفتاده است.» - تا قول خدای تعالی که -
«اوست در افق بلند و عالی.» (۱)

دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل

علامه خطیب بغدادی به نقل از آنس بن مالک از عُمَر بن خطاب از ابوبکر از ابوهریره آورده است که گفت:

در حالی وارد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شدم که مقداری خرما جلو روی آن حضرت بود. پس سلام کردم و بعد از جواب سلام مشتکی از آن را به من داد و چون شمردم هفتاد و سه دانه بود. آنگاه از نزد پیغمبر به سراغ علی علیه السلام رفتم و در نزد او هم مقداری خرما نهاده شده بود و او هم بعد از اینکه من سلام کردم و جواب داد مشتکی از آن خرماها را به من داد و چون آنها را شمردم بدون کم و زیاد هفتاد و سه دانه بود پس من با تعجب زیاد از هم عددی خرماهای اعطایی به خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و ماجرای یکسان و هم عددی خرمای آن حضرت و علی علیه السلام را که مایه ی تعجب من شده بود گزارش دادم.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تبسم نمود و فرمود:

«یا ابا هریره اما علمت ان یدی و ید علی بن ابیطالب فی العدل سواء» (۲)

ص: ۴۱

۱- ینابیع الموده، ص ۲۲۹ - أرجح المطالب، عبدالله حنفی امام شناسی - علامه طهرانی ص ۷۲.

۲- امام امیرالمومنین علی از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۸.

ای ابوهریره! مگر نمی دانی که دست من و دست علی بن ابیطالب علیه السلام در عدل یکسان و مساوی است.

به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام

علامه ابن حجر به نقل از «استیعاب» ابن عبدالبر از ابن مسیب روایت نموده که عمر گفت:

«تَحَبَّبُوا إِلَى الْأَشْرَافِ وَ تَوَدَّدُوا وَ اتَّقُوا عَلِيَّ أَعْرَاضِكُمْ مِنَ السَّفَلَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا يَتِمُّ شَرَفٌ إِلَّا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ» (۱)

نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی شخصیت پرهیزید و بر حذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شرفی به درجه ی تمامیت نرسید مگر به ولایت علی.

کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمومنین علیه السلام

صفوانی در کتاب «محن» و کلینی در کتاب «کافی» روایت کرده اند که چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند:

جَاءَ شَيْخٌ يَبْكِي وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ عِلَاقَةُ النَّبُوَّةِ حَتَّى وَقَفَ بِبَابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَذَ بِعِصَاةِ تِي الْبَابِ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَلَقَدْ كُنْتُ أَوَّلَ النَّاسِ إِسْلَامًا وَ أَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَخَوْفَهُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَطَوْعَهُمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبًا وَ أَكْثَرَهُمْ سَوَابِقًا وَ أَشَبَّهُهُمْ بِخُلُقًا وَ خُلُقًا وَ سِيمَاءً وَ فَضْلًا وَ كُنْتُ أَحْفَظَهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ طُودًا وَ أَقَلَّهُمْ كَلَامًا وَ

ص: ۴۲

۱- امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۱۴۶ به نقل از صواعق المحرقة ص ۱۰۶.

أَصْوَبُهُمْ مَنْطِقًا وَ أَشَجَعَهُمْ قَلْبًا وَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ أَقْوَاهُمْ يَقِينًا حَفِظْتَ مَا ضَيَّعُوا وَ رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَرْتَ إِذْ اجْتَمَعُوا وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا وَ وَقَفْتَ إِذْ شَرَعُوا وَ أَدْرَكْتَ أَوْتَارَ مَا ظَلَمُوا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا وَاصِبًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَ حِصْنًا كُنْتَ كَالجَبَلِ الرَّاسِخِ لَمَّا تَحَرَّكَكَ الْعَوَاصِفُ وَ كُنْتَ لِلطُّفْلِ كَالأَبِ الشَّفِيقِ وَ لِلأَرَامِلِ كَالْبُعْلِ العَطُوفِ قَسَمْتَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَيَّدْتَ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَطْفَأْتَ النَّيْرَانَ وَ كَسَرْتَ الأَصِينَامَ وَ أَذَلَّتْ الأَوْثَانَ وَ عَيَّدْتَ الرَّحْمَنَ فِي كَلَامٍ لَهُ كَثِيرٍ فَالْتَفَتُوا فَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا فَسَيَّلَ الحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامَ مَنْ كَانَ الرَّجُلُ قَالَ الخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (۱)

چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند، پیرمردی گریه کنان آمد در حالی که می گفت: «امروز زنجیرهای نبوت پاره شد،» تا ایستاد در اتاقی که حضرت در آنجا مرغ روحش پرواز نموده بود و با دو دست خود دو بازوی دو طرف در را گرفت و گفت: خدا تو را رحمت کند، حقا که اولین کسی بودی که اسلام آوردی و پاک ترین آنها بودی از جهت ایمان و یقینت از همه شدیدتر بود و خوفت از خدا نسبت به همه بیشتر و طاعتت به پیغمبر خدا از همه فزون تر و مناقبت و فضائلت از همه عالیتر و سوابقت از همه زیادتر و شباهتت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت قوای طبیعی و اخلاق معنوی و از جهت علائم روحانی در چهره ات و از جهت فضل و شرافت از همه بیشتر بود و از جهت سر و صدا از همه آرامتر بودی و از جهت استقامت و ثبات از همه بالاتر و رفیع مرتبه تر بودی. کلام و سخنت از

ص: ۴۳

۱- امام شناسی، علامه طهرانی، ج ۴، ص ۷۳، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۴۸۱.

همه مقبول تر و منطقت از همه صحیح تر و قلبت از همه شجاعتر و کردارت از همه نیکوتر و یقینت از همه قویتر بود.

حفظ کردی آنچه را که ضایع کردند و رعایت کردی آنچه را که مُهمل گذاشتند و دامن همت به کمر زدی در وقتی که آنها اجتماع کردند و نفس خود را بلند داشتی هنگامی که آنها حرص زدند و توقف کردی در وقتی که آنها بدعت نهادند و دادخواهی کردی نسبت به ظلم هایی که نمودند. ای علی تو نسبت به کافران، عذاب سخت و مداوم بودی و نسبت به مؤمنان پناهگاه و ملجأ و حصن. تو مانند کوهی عظیم و ثابت بودی که تند بادهای اهواء و آراء باطل و طوفانهای سخت امیال و انکار مخالفین ابداً مختصر حرکتی و تکانی در تو به وجود نیاورد.

نسبت به کودکان مانند پدر مهربان و نسبت به بیوه زنان چون شوهر رؤوف و عطوف بودی. بیت المال را به طور تساوی تقسیم کردی و در رعیت و توده ی مردم به عدالت رفتار نمودی و آتش های کفر و شرک و بیداد و تجاوز بر حقوق را خاموش کردی و بت های ظاهر و باطن را در هم شکستی و ذلیل نمودی و در مقام بندگی خداوند عز و جل قیام و اقدام کردی و بسیار از این قبیل سخنان گفت و صفات عالییه ی آن حضرت را بیان کرد و ناگهان ناپدید شد!

مردم که التفات کردند کسی را ندیدند و از حضرت امام حسن علیه السلام سؤال کردند؟ فرمود: آن مرد پیر، حضرت خضر علیه السلام بود.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

آری چه خوب خضر پیغمبر علیه السلام آن حضرت را بدین صفات عالییه ستوده و تمجید نموده و در مصیبت آن حضرت گریان شده است.

ام سَلِمَه گفت: روزی سه نفر از مشرکان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدند. یکی از آنها گفت: ای محمد! تو ادعایی کرده ایی که از ابراهیم فاضلتی، ابراهیم علیه السلام، خلیل خدا بود ولی تو خلیل او نیستی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ابراهیم علیه السلام، خلیل بود و من حبیب و صفی ام. و حبیب و صفی بهتر باشد.

گفت: تو گفتی که از موسی علیه السلام بهترم. در حالی که موسی کلیم علیه السلام خدا بود و با حق تعالی سخن گفت و تو با حق سخن نگفتی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت: موسی علیه السلام سخن گفت در زمین و من وراء حجاب و بر بالای هفت آسمان بر سُرَادِق عرش با حق سخن گفتم.

دیگری گفت: تو گفتی که من از عیسی علیه السلام بهترم. عیسی علیه السلام مرده زنده کرد و تو نکردی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست بر هم زد و گفت یا علی! یا علی! در همان لحظه علی علیه السلام از درب وارد شد. فرمود: ای علی کجا بودی؟ فرمود: در فلان نخلستان خرما بودم.

آواز شما به من رسید، خود را به اینجا رسانیدم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بیا و این پیراهن نبوت من را بپوش و با این سه تن به قبرستان «یوسف بن کعب» برو و ما را از بهر ایشان زنده کن تا علامت نبوت و کرامت امامت ببینند. امام علی علیه السلام پیراهن را پوشید و با آنها رفت.

ام سَلِمَه می گوید: من نیز از رسول خدا اجازه خواستم و رفتم. شاه مردان علی علیه السلام به قبرستان رسید و در آنجا ایستاد و کلمه ای را بر زبان جاری نمود و فرمود. ای صاحب گور! برخیز به فرمان حق تعالی و تصدیق ادعای رسول کن، گور در جنبش آمد، بار دیگر بگفت، گور بشکافته شد. پیری برخاست و خاک از سر خود دور کرد.

علی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟

گفت: منم یوسف بن کعب صاحب الأُخْدُود و سیصد سال است که مُرده ام و این سال آوازی شنیدم که می گفت ای یوسف بن کعب برخیز از برای تصدیق دعوی سید الاولین و الاخرین. آن مشرکان به یکدیگر نگریستند و گفتند مبادا که قریش بدانند که به سبب درخواست ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را چنین معجزه ای ظاهر شد. رو به علی علیه السلام کردند و گفتند ای علی بگو به مقام خود برگردد در این لحظه حضرت دستور دادند و آن مُرده به قبر خود برگشت. (۱)

اسرار معراج علی علیه السلام

رَجَب بُرْسِي (ره) در کتاب «مشارق الأنوار» نقل می کند. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را بر دوش خود بالا برد؟ فرمود:

تا اینکه مردم مقام رفیع و مرتبه ی والای او را بشناسند

عرض کرد: زیادتر برایم توضیح دهید.

فرمود: تا مردم بدانند او به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر کس سزاوارتر است.

عرض کرد: بیشتر توضیح دهید.

فرمود: لِيَعْلَمَ النَّاسُ إِنَّهُ إِمَامٌ بَعِيدُهُ وَالْعِلْمُ الْمَرْفُوعُ، تا مردم بدانند علی علیه السلام بعد از او پیشوای مردم و پرچم برافراشته ی هدایت است.

عرض کرد: زیادتر بفرماید.

حضرت فرمود: هَيْهَاتَ وَاللَّهِ لَوْ أَخْبَرْتُكَ بَكَنَةِ ذَاكَ لَقَمْت عَنِّي وَ أَنْتَ تَقُولُ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كَذِبٌ فِي قَوْلِهِ أَوْ مَجْنُونٌ وَ كَيْفَ يَطَّلِعُ عَلَى الْأَسْرَارِ غَيْرَ الْأَبْرَارِ هَيْهَاتَ.

ص: ۴۶

اگر از حقیقت و باطن آن به تو خبر دهم از من کناره می گیری و می گویی جعفر بن محمد، دروغگو یا دیوانه است و چگونه بر اسرار کسی جز ابرار و نیکوکاران آگاهی پیدا می کنند. (۱)

مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيٍّ وَعِترَتِهِ.

خداوند این مردم را عذاب نمی کند مگر به خاطر گناه دانشمندان ایشان، آنها که حق را کتمان کردند و فضائل علی علیه السلام و عترت طاهرین او را بیان نکردند

أَلَا وَ إِنَّهُ لَمْ يَمْشِ فَوْقَ الْأَرْضِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ أَفْضَلُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ مُحِبِّيهِ الَّذِينَ يُظْهِرُونَ أَمْرَهُ وَ يُنْشُرُونَ فَضْلَهُ أَوْلِيَّكَ تَغْشَاهُمُ الرَّحْمَةُ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ.

بدانید راه نمی رود بر روی زمین بعد از پیغمبران و رسولان کسی که مقامش برتر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام باشد، آنهایی که امر ولایت آن حضرت را ظاهر می کنند و فضائل او را منتشر می کنند، رحمت الهی سر تا پای وجود آنها را فرا می گیرد و فرشتگان برای آنها استغفار می کنند.

الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ يَكْتُمُ فَضَائِلَهُ وَ يَكْتُمُ أَمْرَهُ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ.

و بدبختی به تمام معنا نصیب کسانی می شود که فضائل او را کتمان می کنند و امر او را پنهان می دارند چگونه می خواهند در آتش پایداری کنند.

ص: ۴۷

این حق است (۱) زیرا کسی که فضائل او را از روی جهل و نادانی پنهان کند دچار هلاکت و نابودی است، چون امام زمان علیه السلام خود را نشناخته است و کسی که از روی آگاهی به خاطر دشمنی پنهان کند، منافق است، زیرا طینت و سرشت او ناپاک است و با آن حضرت جز منافق گمراه دشمنی نمی کند. ولایت آن حضرت بر طینت او عرضه شد و از پذیرش آن خودداری کرد و لذا مسخ گردید (یعنی تغییر ماهیت و حقیقت داد و در عالم مُسُوخات بر او ندا داده شده که آن خبیث است. به دیگر خبیثان ملحق گردد، پس او دین ندارد و عبادت های او عبادت نیست. (۲)

خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي بَعْضِ حُجْرَاتِهِ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لِي فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ لِي:

يَا عَلِيُّ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيْتِي بَيْتُكَ فَمَا لَكَ تَسْتَأْذِنُ عَلَيَّ؟

قَالَ: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِكَ.

قَالَ يَا عَلِيُّ أَحْبَبْتَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَ أَخَذْتَ بِأَدَابِ اللَّهِ.

يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ أَخِي وَأَنَّ خَالِقِي وَرِزَاقِي أَبِي أَنْ يَكُونَ لِي أَخٌ دُونَكَ

ص: ۴۸

۱- از اینجا ظاهراً کلام رَجَب بُرْسِي صاحب کتاب مشارق الانوار است.

۲- ترجمه القطره، ج ۱ ص ۲۴۸ به نقل از مشارق الانوار ص ۱۵۱، الدمعه الساکبه ج ۲ ص ۵۶.

يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّي مِنْ بَعْدِي وَ أَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمَضْطَّهَدُ بَعْدِي. يَا عَلِيُّ! الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِي وَ مُفَارِقُكَ مُفَارِقِي. يَا عَلِيُّ!
كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحْيِي وَيُغْضُكُ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ إِيَّاكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ. (۱)

زید بن علی از پدر بزرگوارش حضرت امام سجاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می کنند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از اتاق های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی دانی خانه ی من خانه ی شماست؟ چرا برای داخل شدن اجازه می گیرید؟ عرض کردم: ای رسول خدا! دوست داشتم این گونه عمل کنم (بدون اجازه داخل نشوم)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می داری و به آداب الهی عمل می کنی.

ای علی! آیا می دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم؟

ای علی! شما بعد از من وصی من هستی و پس از من مظلوم واقع می شوی و حقت پایمال می گردد.

ای علی! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده.

ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد، در حالی که با شما دشمنی می کند، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده.

ص: ۴۹

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی ملیء الایمانِ اِلٰی مُشَاشِهٖ.

علی علیه السلام سرپای وجودش و یکایک اعضای وجودیش مالا مال از ایمان است.

یعنی علی علیه السلام به خاطر برخورداری همه ی ابعاد وجودیش و اعضاء بدنش از ایمان به خدا، هیچگونه کار خلافی از هیچ یک از آنها سر نزده. (۱)

آمدن امیرالمومنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام

ابن شهر آشوب روایت کند که از حبیب بن حسن عتّکی. از جابر بن عبدالله انصاری که گفت:

«حضرت امیرالمومنین علیه السلام نماز صبح را به جماعت در مدینه با ما خواندند و پس از آن رو به ما نموده گفتند: ای مردم خدا اجر شما را در مرگ برادران سلمان، بزرگ قرار دهد و آن وقت عمامه ی رسول خدا را به سر بستند و دراعه ی رسول خدا را پوشیدند و قضیب رسول خدا را به دست گرفته و شمشیر او را حمایل نموده و بر ناقه ی غضباء که از رسول خدا ارث رسیده بود سوار شدند و به قبر گفتند: از یک تا ده بشمار، قبر گوید: همین که شمردم ما در مدائن پشت درب خانه ی سلمان بودیم.

زاذان گوید که: چون مرگ سلمان نزدیک شد من به او گفتم: که تو را غسل می دهد؟ گفت: همان کسی که رسول خدا را غسل داده است. گفتم: ای سلمان تو در مدائن هستی و او در مدینه است!

گفت: ای زاذان چون جانم از بدنم پرواز کرد چانه و لیحیه ی مرا ببند، در آن حال صدای چیزی که به زمین افتد خواهی شنید. زاذان گوید: سلمان روحش از قالب

ص: ۵۰

تن پرواز کرد، من چانه ی او را بستم، در آن حال صدای چیزی که به زمین سقوط نماید در پشت در شنیدم، در را باز کردم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حضرت فرمود: ای زاذان بنده ی صالح و عبد پرهیزگار خدا سلمان جان داد؟

عرض کردم: بلی ای آقای من.

حضرت وارد شد و رداء را از روی سلمان کنار زد، سلمان بر روی امیرالمؤمنین تبسمی کرد. حضرت فرمود: آفرین بر تو ای سلمان چون به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی بگو بعد از تو امت تو با علی چه کردند. حضرت مشغول غسل و کفن او شدند و چون بر سلمان نماز گذاردند از آن حضرت صدای تکبیر شدیدی شنیدم و دو نفر دیگر را دیدیم که با آن حضرت نماز می گذاردند، چون سؤال کردیم فرمود: یکی از آنها برادرم جعفر و دیگری خضر علیه السلام است.

و با هر یک از آن دو هفتاد صف از ملائکه و در هر صفی هزار هزار ملک بودند». (حضرت سلمان را در قبر گذاشتند و خاک بر او انباشتند و سپس به مدینه مراجعت کردند و هنوز سپیدی صبح ظاهر نشده بود). و ابوالفضل تمیمی در این قضیه گوید:

سَمِعْتُ مَنِيَّ يَسْرًا فِي عَجَائِبِهِ

وَ كُلِّ امْرِئٍ عَلَيَّ لَمْ يَزَلْ عَجَبًا

تو از من مقدار کمی از عجائب علی بن ابیطالب شنیدی و تمام امور علی همیشه عجیب بوده است.

اَدْرَيْتَ فِي لَيْلِهِ سَارَ الْوَصِيِّ اِلَى

اَرْضِ الْمَدَائِنِ لَمَّا اِنْ لَهَا طُلُبًا

دانستی که در یک شب وصی رسول خدا چون دعوت شده بود از مدینه به سرزمین مدائن آمد.

فَالْحَدَّ الطُّهْرَ سَلْمَانًا وَ عَادَ اِلَى

عِرَاصِ يَثْرِبَ وَ الْاَصْبَاحُ مَا قَرَّبًا

پس بدن طاهر سلمان را در میان قبر جای داد و سپس قبل از آنکه صبح طلوع کند به سرزمین مدینه برگشت.

كَاصِفَ قَبْلِ رَدِّ الطَّرْفِ مِنْ سَبَا

بِعَرْشِ بَلْقَيْسٍ وَاقَى يَحْرِقُ الْحُجْبَا

مانند آصف بن برخیا وصی سلیمان بن داوود که قبل از یک چشم بر هم زدن و یک مژگان بر هم نهادن از شهر سَبَا تخت بلقیس را برای سلیمان آورد و موانع و حجابها را پاره کرد.

فِي آصِفَ لَمْ تَقُلْ ءَأَنْتَ بَلِي

أَنَا بِحَيْدَرِ غَالٍ أوردُ الكَذِبَا؟

درباره ی آصف بن برخیا مگر تو تصدیق نکردی لیکن می گوئی که من درباره ی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب حیدر علیه السلام غلو کرده ام و مطالب دروغ را آورده ام؟

ان كَانَ أَحْمَدُ الْمُرْسَلِينَ فَذَا

خَيْرُ الْوَصِيِّينَ أَوْ كُلُّ الْحَدِيثِ هَبَا

اگر آصف بن برخیا که وصی سلیمان است، بتواند عرش بلقیس را در کمتر از یک چشم به هم نهادن از شهر سَبَا حاضر کند پس احمد خاتم الانبیاء و المرسلین است و وصی او که خیر الوصیین چگونه نمی تواند در یک شب از مدینه به مدائن آید و برگردد؟

یا آنکه به کلی انکار کن و بگو تمام این مطالب قرآن و آوردن تخت بلقیس از سبأ نیز سخن به مجازفه و پراکنده گویی بوده است.

وَقُلْتَ مَا قُلْتَ مِنْ قَوْلِ الْعُلَاهِ فَمَا

دَنْبُ الْعُلَاهِ إِذَا قَالُوا الَّذِي وَجَبَا (۱)

و می گویی که این معجزات را اهل غلو به علی نسبت می دهند، گناه اهل غلو چیست اگر احیاناً حکایت از امر واقع شده و حقیقی بنمایند.

ص: ۵۲

قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمکزار شد.

در کتاب «المجموع الرائق من أزهار الحدائق» آمده است: برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام صد فضیلت و برتری ویژه نقل شده است که این فضائل را شیخ سعید، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قُدَسَ سِتْرُهُ در روز غدیر خم سال ۳۶۱ روایت نموده است، این فضائل و مناقب از لبان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده که خداوند متعال امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مخصوص این فضائل گردانیده است.

که در آنجا چند مورد از آن فضائل این است که:

«... او نخستین شخصیتی است که در روز رستاخیز با نامش خوانده می شود، او کسی است که فرشتگان به ولایت او به سوی خدا تقرب می جویند، او کسی است که ولایتش به نقاط مختلف زمین عرضه شد، آن قسمت که پذیرفت پاکیزه و قابل کشت گشت و آنکه سرپیچی کرد نمکزار شد. او کسی است که ولایتش به گیاهان عرضه شد، آنکه پذیرفت گیاه سودمند گشت و آنکه سر، باز زد سَمِّ کُشَنده گشت.» (۱)

اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت

خوارزمی که از علمای اهل سنت در کتاب «المناقب» از ابن مسعود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اول کسی که از اهل آسمان علی علیه السلام را برای خود برادر گرفت اسرافیل بود و بعد از او میکائیل و جبرئیل بودند و اول کسانی که از اهل آسمان به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیده اند فرشتگانی هستند که عرش

ص: ۵۳

۱- القطره ج ۲ ص ۳۲۵، به نقل از المجموع الرائق ج ۲، ص ۳۲۰.

الهی را به دوش دارند، بعد از آنها رضوان است که خزانه دار بهشت است و بعد از او فرشته ی قبض روح یعنی عزرائیل است.

إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَرَحَّمُ عَلَىٰ مُحِبِّبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَىٰ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و او به دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام رحم می کند همانطور که بر پیامبران ترحم می نماید. (۱)

بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است.

ابن شاذان رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب «مَائَةُ مَنْقَبِهِ» از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی در آسمان چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار و در آسمان هفتم فرشته ای را آفرید که سرش زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است و نیز فرشتگانی را آفرید که عدد آنها از دو طایفه ی بزرگ عرب آن روز به نام رَبِيعَه وَ مُضَرٌ بیشتر است.»

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَلَا شَرَابٌ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحِبِّبِهِ وَ الْإِسْتِغْفَارُ لِشَيْعَتِهِ الْمَذْنُوبِينَ وَ مَوَالِيهِ. (۲)

خوراک آنها و نوشیدنی ایشان چیزی به جز صلوات فرستادن بر امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستانش و استغفار کردن برای شیعیان گنهکار و موالیانش نیست.

ص: ۵۴

۱- مناقب خوارزمی ۷۲ ح ۴۹، ینابیع الموده ص ۱۳۳، کشف الغمه ج ۱ ص ۱۰۳، بحار الأنوار ج ۳۸ ص ۳۳۵ ضمن ح ۱۰.

۲- مائه منقبه، ص ۱۷۵ فضیلت ۸۸ بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۳۴۹ ح ۲۲.

اشتیاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«... إِنَّ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَالْحُجُبِ لَيَسْتَأْذِنُونَ إِلَى رُؤْيَيْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا تَسْتَأْذِنُ الْوَالِدَةُ الشَّفِيقَةُ إِلَى وَلَدِهَا الْبَارِّ الشَّفِيقِ» (۱)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«... همانا فرشتگان آسمانها و حُجُب، همانند شوق و علاقه ی مادر مهربان به فرزند نیکوکار دلسوز مشتاق دیدار علی - بن ابیطالب علیه السلام هستند.»

سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«... وَالَّذِي شَرَفَ عَلِيًّا عَلَى جَمِيعِ الْوَرَى بَعْدَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى» (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگندی که فرشتگان میان خود دارند اینچنین است؛ سوگند خدایی را که علی مرتضی را پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر همه ی مردم برتری داد.»

فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می گرفتند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (ره) أَنَّهُ قَالَ:

«كَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي مَجْلِسِهِ وَ مَسْجِدِهِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لَهُ:

ص: ۵۵

۱- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۵۲ ضمن ح ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۸۶.

۲- همان.

يَا مُحَمَّدُ! الْحَقُّ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ «أَخْضِرْ عَلِيًّا وَ اجْعَلْ وَجْهَكَ مُقَابِلَ وَجْهِهِ»

ثُمَّ عَرَجَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ

فَدَعَا النَّبِيَّ عَلِيًّا فَأَخْضَرُوهُ وَ جَعَلَ وَجْهَهُ مُقَابِلَ وَجْهِهِ فَزَلَّ جَبْرَائِيلُ ثَانِيًّا وَ مَعَهُ طَبَقٌ فِيهِ رُطْبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ:

كُلَّا فَأَكَلَا ثُمَّ أَخْضَرَ طَشْتًا وَ إِبْرِيْقًا وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِلَى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ آلِكَ قَدْ أَمَرَكَ اللَّهُ أَنْ تَصُبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدَيَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِمَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي ثُمَّ أَخَذَ الْإِبْرِيْقَ وَ قَامَ يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا أَوْلَى أَنْ أَصَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِكَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِعَدْلِكَ وَ كَانَ كَلِمًا صَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيٍّ لَمْ يَقَعْ مِنْهُ قَطْرَةٌ فِي الطَّشْتِ فَقَالَ عَلِيٌّ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ يَقَعُ فِي الطَّشْتِ!؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَتَسَبَّحُونَ عَلَى أَخَذِ الْمَاءِ الَّذِي يَقَعُ مِنْ يَدِكَ فَيَغْسِلُونَ بِهِ وُجُوهُهُمْ يَتَبَرَّكُونَ بِهِ» (١)

ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد حضور داشتند و جمعی از مهاجرین و انصار نزد آن حضرت بودند، ناگهان جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد و عرض کرد: ای محمد! حق تعالی بر تو سلام می رساند و می فرماید علی را

ص: ۵۶

حاضر کن و او را روبروی خودت بنشان. جبرئیل این فرمان الهی را رساند و به آسمان برگشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم علی علیه السلام را حاضر کرد و او را روبروی خود نشانید. جبرئیل دوباره نازل شده و به همراه خود طَبَقی از خرما آورد و بین آن دو بزرگوار قرار داد و عرض کرد: از آن میل کنید و آنها خوردند سپس تشت و آفتابه ی آبی آورد و عرض کرد:

ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است که تو آب را روی دستهای علی بن ابیطالب علیه السلام بریزی.

فرمود: سَمِعًا وَ طَاعَةً، آنچه را خداوند امر کند اطاعت می کنم، آنگاه آفتابه را برداشت و برخاست که آب روی دستهای علی علیه السلام بریزد. علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! من سزاوارترم که آب روی دستهای مبارک شما بریزم. فرمود: ای علی! خداوند چنین فرمان داده است و به من چنین مأموریتی داده است؛ و آب را روی دستهای علی علیه السلام که می ریخت قطره ای از آن در تشت نمی ریخت. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آبها را نمی بینم که در میان تشت بریزد. فرمود: «ای علی! فرشتگان از یکدیگر سبقت می گیرند در اینکه آبی که از دستهای تو می ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره ی خود را با آن شستشو دهند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وجد می آید.

عَنْ ابْنِ مُشْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ أُوحِيَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ مَا أُوحِيَ مِنْ شَرَفِهِ وَ مِنْ عَظَمِهِ عِنْدَ اللَّهِ وَ رُودَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ جَمَعَ لَهُ النَّبِيِّينَ وَ صَيَّلُوا خَلْفَهُ عَرَضَ فِي نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَظَمِ مَا أُوحِيَ إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا

إِلَيْكَ فَسِئِلَ الَّذِينَ يَقْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ يَعْنِي الْأَنْبِيَاءَ - فَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ فِي كُتُبِهِمْ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَنْزَلْنَا فِي كِتَابِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَاللَّهِ مَا شَكَّ وَ مَا سَأَلَ

از ابن عباس از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج به سوی آسمانها برده شدند، خداوند از شرافت و عظمت حضرت علی علیه السلام برای پیامبر تعریف کرد، تا اینکه پیامبر به بیت المعمور رفتند و تمام پیامبران پشت سر او نماز گزاردند.

بعد از نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه خداوند درباره ی علی علیه السلام و مقام و منزلت او برایش صحبت کرده بود به شگفت آمد و (در فکر فرو رفت) و در همین حال بود که وحی الهی نازل شد که: «إِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ» (۱)

ای پیامبر ما، اگر در آنچه بر تو نازل کردیم و حرفش را زدیم شک داری، پس از کسانی که قبل از تو کتاب خدا را خوانده اند سؤال کن که آیا چنین است یا نه؟

یعنی از پیامبران پشت سر خود سؤال کن، که آنچه در کتب ایشان از فضائل علی علیه السلام بیان شد، برای تو هم همان را بیان کردیم.

«لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

ص: ۵۸

همانا حق از جانب پروردگارت آمد. پس در حقانیت او هیچگاه شک مکن و از کسانی مباش که آیات الهی را تکذیب کردند (که اگر چنین کنی) از زیانکاران عالم خواهی شد.»

سخن که بدینجا رسید امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم، نه پیامبر در فضائل علی علیه السلام شک کرد و نه از انبیاء سؤال نمود؛ (بلکه از فضائل علی علیه السلام به شور و شغف درآمده بود و تمام وجود او را خوشحالی محض فرا گرفته بود.) (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج، خروسی دید که صدا می زد علی علیه السلام امیر المومنین است.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ دِيكًا يَدْنُهُ دُرَّةٌ بَيضاءَ وَ عَيْنَاهُ يَأْقُوتَانِ حَمْرَاوَانِ وَ رِجْلَاهُ مِنَ الزَّبْرِجَدِ الْأَخْضَرِ وَ هُوَ يَنَادِي «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيُيُّ اللَّهُ فَاطِمَةَ وَ وَلَدَهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ يَا غَافِلِينَ اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى مُبْغِضِهِمْ لَعَنَهُ اللَّهُ»

ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شبی که به معراج رفته بودم

خروسی را دیدم که بدنش دُر سفید و دو چشمش از یاقوت قرمز و دو پایش از زبرجد سبز بود و این خروس صدا می زد:

«هیچ خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده ی خداست، علی بن ابیطالب علیه السلام امیر المومنین، دوست صمیمی خداست، فاطمه علیها السلام و دو فرزندش حسن و

ص: ۵۹

حسین علیه السلام برگزیدگان خدا هستند. ای غافلین، یاد خدا کنید که بر دشمنان اینان لعنت خداست (و با لعنت بر دشمنان اینان، به یاد خدا باشید.)»

عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: أَتَيْتُ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقُلْتُ لَهَا: أَيْنَ بَعْلُكَ؟

فَقَالَتْ عَرَجَ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ.

فَقُلْتُ فِي مَاذَا؟

فَقَالَتْ: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ أَنْ تَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

عبدالله بن مسعود گفته: خدمت حضرت زهرا سلام الله عليها رسیدم و عرض کردم شوهرت کجاست؟ فرمود: جبرئیل او را به آسمان برده است. عرض کردم در چه رابطه ای؟ فرمود: گروهی از ملائکه در مسأله ای مشاجره نموده خواستار حکمی از میان آدمیان شدند. سپس خداوند تعالی به آنها وحی فرمود که حکم را انتخاب نمایید و ملائکه علی بن ابیطالب علیه السلام را برگزیدند. (۱)

چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است.

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَجْلِسُ لِلنَّاسِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ يَوْمًا لِمَنْ حَوْلَهُ مَنْ يَرَى مَا أَرَى؟

فَقَالُوا: وَمَا تَرَى يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ فِي عِبَادِهِ؟ فَقَالَ: أَرَى بَعِيرًا يَحْمِلُ جِنَازَةً وَرَجُلًا يَسُوقُهُ وَرَجُلًا يَقُودُهُ وَسَيِّئَاتِكُمْ بَعْدَ ثَلَاثٍ.

ص: ۵۹

فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثِ قَدِمَ الْبَعِيرُ وَالْجِنَازَةُ مَشْدُودَةً عَلَيْهِ وَرَجُلَانِ مَعَهُ فَسَلِمَا عَلَى الْجَمَاعَةِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ حَيَّاهُمَا مَنْ أَنْتُمْ وَمِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتُمَا وَمَنْ هَذِهِ الْجِنَازَةُ وَلِمَاذَا قَدِمْتُمَا؟

أَضِيغُ بْنُ نَبَاتَةَ رَوَيْتَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَلَدِيهَا كُوفَةَ لِيَأْتِيَ بِرَأْسِهَا حَاجَاتُ مَرْدَمِ مِي نَشَسْتُ. رُوزِي بِي اِئْرَادِي كِي فِي اِطْرَافِ اَنْ جَنَابِ بُوْدَنْدِ فَرَمُود: كِدَامِيكَ اِز شَمَا اَنْجِي رَا كِي مَن مِي بِيْنَمِ مِي بِيْنَد؟ كُفْتَنْد: اِي چِشْمِ بِيْنَايِ خُدَا فِي مِيَانِ بِنْدِ كَانَش! چِي چِيْزِي رَا مِي بِيْنِي؟

فَرَمُود: شَتْرِي رَا مِي بِيْنَمِ كِي جِنَازَةُ اِي رَا حَمَلِ مِي كُنْدُ وَ مَرْدِي رَا مِي بِيْنَمِ كِي شَتْرِي رَا مِي رَا نَدُ وَ مَرْدِي دِيْگَرِي زَمَامِ اَنْ رَا مِي كُشْدُ وَ بِي زُودِي بَعْدِ اِز كُذْشَتِ سِي رُوزِ بَرِ شَمَا وَاْرِدِ مِي شُوْنْدُ. وَ قَتِي رُوزِ سُوْمِ فَرَا رَسِيْدِ اَنْ دُو مَرْدِ بِي هَمْرَاهِ شَتْرِي فِي حَالِي كِي جِنَازَةُ اِي بَرِ رُويِ اَنْ بَسْتِي شُدِي بُوْدُ، وَاْرِدِ شُدُنْدُ وَ بَرِ جَمَاعَتِ سَلَامِ كُرْدُنْدُ. اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدِ اِز اِحْوَالِ پَرِسِي اِز اَنْهَا پَرَسِيْدُ: شَمَا كِي هَسْتِيْدُ وَ اِز كَجَا مِي آيِيْدُ وَ اِيْنِ جِنَازَةُ يِ كِيْسْتِ وَ بَرَايِ چِي آْمِدِي اِيْدُ؟

فَقَالُوا: نَحْنُ مِنَ الْيَمَنِ وَ أَمَّا الْمَيِّتُ فَأَبُونَا وَ إِنَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ أَوْصَى بِإِيْنَا فَقَالَ إِذَا غَسَلْتُمُونِي وَ كَفَّنْتُمُونِي وَ صَيَّيْتُمْ عَلَيَّ فَاحْمِلُونِي عَلَيَّ بَعِيرِي هَذَا إِلَى الْعِرَاقِ وَ اذْفُنُونِي هُنَاكَ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ سَأَلْتُمَاهُ لِمَاذَا فَقَالَا أَجَلٌ قَدْ سَأَلْنَاهُ فَقَالَ يُدْفَنُ هُنَاكَ رَجُلٌ لَوْ شَفَعَ فِي يَوْمِ الْعَرَضِ فِي أَهْلِ الْمَوْقِفِ لَشَفَّعَ فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ صَيَّدَقَ أَنَا وَ اللَّهُ ذَلِكُ الرَّجُلُ.

عَرَضِي دَاشْتَنْدُ مَا اِز اِهْلِ يَمَنِ هَسْتِيْمِ. اَمَا اِيْنِ مِيْتِ پَدَرِ مَاسْتِ وَ هَنْگَامِ مَرْگِ بِي مَا وَصِيْتِ كُرْدُ وَ كُفْتُ: وَ قَتِي كِي مَرَا غَسَلِ دَا دِيْدِ وَ كَفَنِ نَمُودِيْدِ وَ بَرِ مَنِ نَمَازِ

خواندید، مرا به این شترم سوار کنید و به جانب عراق بفرساید و در بلندیهای کوفه دفن نمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا از او سؤال کردید برای چه چنین کنیم؟ گفتند: آری از او پرسیدیم و او پاسخ داد که در آنجا مردی دفن می شود که اگر در روز قیامت تمام اهل محشر را شفاعت نماید به شفاعتش پذیرفته می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست و فرمود: راست گفته، به خدا قسم آن مرد من هستم. (۱)

عائب بر امیرالمؤمنین علیه السلام مشرک به خداست

حَدَّثَنَا سَعِيدُ الْأَعْرَجُ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَبْتَدَأْنَا فَقَالَ:

يَا سُلَيْمَانُ مَا جَاءَ عَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُؤْخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى عَنْهُ جَزَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَزَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْمُعَيَّبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُعَيَّبِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الرَّأْدُ عَلَيْهِ فِي صَغِيرِهِ أَوْ كَبِيرِهِ عَلَى حَدِّ الشُّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ بِذَلِكَ جَرَتْ الْمَائِمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدٌ بَعِيدٌ وَاحِدٌ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ الْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى.

ص: ۶۱

سعید اعرج گوید: من و سلیمان بن خالد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت آغاز به سخن نمود و فرمود:

ای سلیمان، هر امری که از امیرالمومنین علیه السلام رسید، باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود. برای او همان فضیلتی است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برتر از تمام مخلوقات خداست. کسی که نسبت به چیزی از احکام او عیب گیرد، مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عیب گرفته است و هر که او را در امری، کوچک یا بزرگ، رد کند در مرز شرک به خداست. امیرالمومنین علیه السلام دری است که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راه به سوی خداست که هر که جز آن پوید، هلاک شود و همچنین است مقام ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری، خدا ایشان را ارکان زمین قرارداد تا اهلش را نجنباند و حجت رسای خویش نمود تا بر کسانی که روی زمین و زیر خاک هستند.

خدایا تا چهره ی علی علیه السلام را به من نشان نداده ای مرا نمیران

(... ابو جراح گفت: نقل نمود به من جابر فرزند صبیح گفت: حدیث کرد به من ام سرجیل و گفت: نقل کرد به من ام عطیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به جنگی فرستاد و علی ابن ابیطالب علیه السلام در میان آنان بود، پس من شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرده و دستش را بلند کرده و می فرمود: خدایا تا چهره ی علی علیه السلام را به من نشان نداده ای مرا نمیران. (۱))

حدیث کوثر

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَمَّا أُسِيرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ قَالَ لِي جِبْرِئِيلُ تَقَدَّمْ يَا مُحَمَّدُ أَمَامَكَ وَارَانِي الْكُوثَرَ وَقَالَ يَا

ص: ۶۲

۱- مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام ابن مغازلی، ترجمه سید محمد جواد، مرعشی نجفی ص ۱۳۰.

مُحَمَّدٌ هَذَا الْكَوْثَرُ لَكَ دُونَ النَّبِيِّنَ فَرَأَيْتَ عَلَيْهِ قُصُورًا كَثِيرَةً مِنَ اللَّؤْلُؤِ وَالْيَاقُوتِ وَالذُّرِّ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَسَاكِنُكَ وَمَسَاكِنُ
وَزِيرِكَ وَوَصِيَّتِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَذُرِّيَّتِهِ الْأَبْرَارِ قَالَ فَضَرَبْتُ بِيَدِي إِلَى بِلَاطِهِ فَشَجِمْتُهُ فَإِذَا هُوَ مِسْكٌ وَإِذَا أَنَا بِالْقُصُورِ لَبِنُهُ
ذَهَبٌ وَلَبِنُهُ فِضَّةٌ.

انس بن مالک می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: شب معراج در مکانی از آسمان هفتم
جبرئیل به من گفت: ای محمد به جلو برو و در همین حال کوثر را به من نشان داد و گفت: ای محمد؛ این کوثر در میان تمام
انبیاء فقط اختصاص به تو دارد. و من در آن قصرهای زیادی از لؤلؤ و یاقوت و ذر دیدم.

جبرئیل به من گفت: ای محمد؛ این قصرها جایگاه تو و جایگاه جانشین و وزیر تو علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه ی پاک
و نیکوکار او می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمودند: پس من دستم را بر سنگی از آن زدم و آن را
بو کردم و بوی مشک دستم را فرا گرفته بود و دیدم که قصرهای کوثر از طلا و نقره ساخته شده بود. (۱)

حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام

مِا رُوِيَ عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَدِيدِ اللَّهِ ... أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَيُّوبَ بْنَ كَعْبٍ وَغَيْرَهُمْ إِلَى أَصْحَابِ
الْكَهْفِ فَقَالَ اتُّوهُمْ فَأَيْلُغُوهُمْ مِّنِي السَّلَامَ.

فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ قَالُوا: «لِعَلِّي تَدْرِي أَيْنَ هُمْ.»

فَقَالَ: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَبْعَثُنِي إِلَى مَكَانٍ إِلَّا هَدَانَا اللَّهُ لَهُ.»

ص: ۶۳

فَلَمَّا أَوْقَفَهُمْ عَلَى بَابِ الْكَهْفِ قَالَ: «يَا أَبَا بَكْرٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسَيْنُنَا.» فَسَلِّمْ فَلَمْ يُجِبْ. ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا حَفْصٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسُنُّ مِنِّي.»؛ فَسَلِّمْ فَلَمْ يُجِبْ. قَالَ: فَسَلِّمْ عَلَيَّ يَا أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَارْجُوا السَّلَامَ وَحَيَّوْهُ وَأَبْلِغُهُمْ سَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَارْجُوا عَلَيْهِ.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: «سَلِّمْ مَا لَهُمْ سَلِّمْنَا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يُسَلِّمُوا عَلَيْنَا.» قَالَ: «سَلِّمْ هُمْ أَنْتَ.» فَسَأَلَهُمْ فَلَمْ يَتَكَلَّمُوا ثُمَّ سَأَلَهُمْ عُمَرُ فَلَمْ يُكَلِّمُوهُ، فَقَالَا: «يَا أَبَا الْحَسَنِ سَلِّمْ هُمْ أَنْتَ.»

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ صَاحِبِي هَذَيْنِ سَأَلَانِي أَنْ أَسْأَلَكُم لِمَ رَدَدْتُم عَلَيَّ وَلَمْ تَرُدُّوا عَلَيَّهَمَا؟»

قَالُوا: «لِأَنَّا لَا نُكَلِّمُ إِلَّا نَبِيًّا أَوْ وَصِيَّ نَبِيٍّ.»

شريك بن عبد الله می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و ابو بکر و عمر را به سوی اصحاب کهف فرستاد و فرمود: سلام مرا به آنها برسانید. وقتی که از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفتند، آن دو به علی علیه السلام گفتند: جای آنها را می شناسی؟

حضرت فرمود: «پیامبر ما را جایی نمی فرستد. مگر اینکه خدا ما را به آنجا هدایت کند!» هنگامی که بر در غار رسیدند، علی علیه السلام به ابوبکر گفت: «تو سلام کن چون تو مسن تر از ما هستی.»

او سلام کرد ولی به او جواب ندادند.

امام علیه السلام به عمر گفت: «ای ابا حفص تو سلام کن، چون سن تو نیز از سن من زیادتر است.»

عمر سلام کرد ولی به او نیز جواب ندادند.

اما وقتی که علی علیه السلام سلام داد. جواب او را دادند و حضرت سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آنها رساند و آنها نیز بر پیامبر سلام رساندند.

ابوبکر گفت: از اینها پرس چرا جواب ما را ندادند ولی جواب تو را دادند؟

حضرت فرمود: خودت پرس. ابوبکر پرسید، ولی با او سخن نگفتند: عمر نیز پرسید باز هم حرف نزدند. به حضرت گفتند: ای ابا الحسن! تو سؤال کن.

حضرت فرمود: رفقای من می گویند: چرا جواب آنها را ندادید، ولی جواب مرا دادید. گفتند: «ما فقط با پیامبر و وصی او سخن می گوئیم.» (۱)

حدیث مصافحه علی علیه السلام

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَتْ مِثْلَ صَافَحِ أَرْكَانِ الْعَرْشِ وَمَنْ عَيَّنَّهُ فَكَانَتْ مِثْلَ عَيَانِي وَمَنْ عَيَّنَنِي فَكَانَتْ مِثْلَ عَيَانِ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهِمْ وَمَنْ صَافَحَ مُجِبًّا لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۲)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند مانند آن است که با همه ی انبیاء علیهم السلام معانقه کرده باشد و هر کس با محبت، علی علیه السلام را مصافحه نماید، خداوند گناهان او را بیخشد و او را بدون حساب داخل بهشت کند.

ص: ۶۵

۱- بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۳۶ ح ۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷ ص ۱۱۵ ح ۹۰ - غایه المرام ۵۸۳ ح ۴۷.

شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام از اجداد طاهرینشان علیهم السلام نقل می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج در آسمان ششم درختی دیدم که زیباتر و بزرگتر از آن درخت را تا به حال ندیده بودم.

پس به جبرئیل گفتم: ای دوست من! - جبرئیل - این درخت چیست؟ گفت: این درخت طوبی است ای حبیب من. گفتم: این صدای زیبا و بلند که می آید چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. گفتم چه می گوید: گفت: مرتب می گوید: «وَأَشْوَقَاةَ إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» ای علی چقدر مشتاق تو هستم. (۱)

علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظه های زندگی خود حضرت علی علیه السلام را وارث اموال خود معرفی نمودند و از جمله آن اموال پیراهنی بود که پیامبر با آن به معراج رفته بودند: «وَالْقَمِيصِ الَّذِي أُسْرِيَ بِهِ فِيهِ» (۲)

شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى شَمَمْتُ وَهَبَّتْ مِنْهَا رِيحٌ نَبَقَهَا فَقُلْتُ لَجِبْرَائِيلَ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: هَذِهِ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى اشْتَاقْتُ إِلَيْ ابْنِ عَمِّكَ حِينَ

ص: ۶۶

۱- بحار ج ۸ ص ۱۵۰.

۲- معراج پیامبر (، علیرضا زکی زاده به نقل از عقائد الاسلامیه ص ۱۲۹ - اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۶.

نَظَرْتُ إِلَيْكَ فَسَدِّعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي مُحَمَّدُ خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ الْأَوْلِيَاءِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ. (۱)

ابوایوب انصاری (علیه الرحمه) نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چون شب معراج به آسمانها برده شدم، در سدره المنتهی نسیم و بوی خوشی احساس کردم. به جبرئیل گفتم: این نسیم و بوی خوش چیست؟ گفت: این سدره المنتهی است موقعی که به تو نگاه کرد مشتاق پسر عمویت علی بن ابیطالب علیه السلام شد در این هنگام به سوی تو نگاه کرد پس شنیدم که منادی ندا می دهد که محمد بهترین انبیاء و امیرالمومنین بهترین اولیاء است.

وسعت قلب علی علیه السلام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَاهُرَيْرَةَ! أَتَدْرِي مَنْ هَذَا؟» قُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هَذَا الْبَحْرُ الزَّائِحُ هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أَشْخَى مِنَ الْفُرَاتِ كَفًّا وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْبًا فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (۲)

ابوهریره می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای أباهریره! آیا می دانی این کیست؟ عرضه داشتم: آری ای رسول خدا! این علی بن ابیطالب است.

ص: ۶۷

۱- بحار ج ۳۶ ص ۱۴۶.

۲- مائه منقبه، ابن شاذان ص ۳۳، فضلیت دوازدهم، بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۲۷ ح ۲۹.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این است دریای موج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده تر از فرات، قلب او وسیع تر از دنیا است؛ پس هر که بغض و کینه ی او را در دل داشته باشد لعنت خدا بر او باد.

هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می رسد

عن ابن عباس قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ دَمِي مِنْ بَدَنِي مِنْ تَوَلَّاهُ رَشَدًا وَ مَنْ أَحْبَبَهُ نَهَجًا وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا أَلَا وَ إِنَّ عَلِيًّا رَابِعُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْفِرْدَوْسِ: أَنَا وَ هُوَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ» (۱)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی علیه السلام نسبت به من، به منزله ی خون من در بدنم است، هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می کند (به کمال می رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است و در صراط مستقیم است و هر کس از او تبعیت کند نجات یابد آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می باشد (آن چهار نفر عبارتند از: من و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام).

حدیث السطل

عن طاووس، عن ابن عباس، قال

صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صِيْلَةَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَامَ عَلَيَّ قَدَمَيْهِ، فَقَالَ: «مَنْ يَحِبُّنِي وَ يَحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي فَلْيَتَّبِعْنِي» فَاتَّبَعْنَا بِأَحْمَعْنَا حَتَّى أَتَى مَنْزِلَ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَفَرَّعَ

ص: ۶۸

الْبَابُ قَوْعًا خَفِيفًا فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ شَمْلَةٌ وَيَدُهُ مُطْخَةٌ بِالطَّيْنِ، فَقَالَ لَهُ «يَا أَبَا الْحَسَنِ! حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا رَأَيْتَ أَمْسٍ» فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَيْنَمَا أَنَا فِي وَقْتِ صَلَاةِ الظُّهْرِ أَرَدْتُ الطُّهُورَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي الْمَاءُ، فَوَجَّهْتُ وَلَدِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فِي طَلْبِ الْمَاءِ فَأَبْطِئَا عَلَيَّ فَإِذَا أَنَا بِهَا تَفٍ يَهْتَفُ:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَقْبِلْ عَلَيَّ يَمِينِكَ، فَالْتَفَتْتُ فَإِذَا أَنَا بِقَدَسٍ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ، فِيهِ مَاءٌ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ وَأَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَوَجَدْتُ فِيهِ رَائِحَةَ الْوَرْدِ فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ وَشَرَبْتُ جُرْعَاتٍ ثُمَّ قَطَّرْتُ عَلَيَّ رَأْسِي قَطْرَةً وَجَدْتُ بَرْدَهَا عَلَيَّ فُوَادِي».

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ الْقَدَسُ؟» قَالَ «اللَّهُ تَعَالَى وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ» قَالَ: أَلْقَدَسُ مِنْ أَقْدَاسِ الْجَنَّةِ وَالْمَاءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرِهِ طُوبَى أَوْ قَالَ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ وَأَمَّا الْقَطْرَةُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» ثُمَّ ضَمَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى صَدْرِهِ وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ حَبِيبِي مَنْ كَانَ خَادِمُهُ بِالْأَمْسِ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَحَلُّهُ وَقَدْرُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (١)

ابن عباس می گوید:

نماز عصر را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواندیم، آنگاه پس از نماز روی پای مبارک ایستادند و فرمودند: هر کس من و اهل بیت مرا دوست می دارد، با من بیاید. ما همگی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به راه افتادیم تا به منزل فاطمه سلام الله علیها

ص: ۶۹

رسیدیم آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آهسته در زدند، پس علی بن ابیطالب علیه السلام آمدند، در حالی که عبا به دور خود پیچیده و دست ایشان گل آلود بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای ابالحسن! آنچه را روز گذشته دیده ای برای مردم تعریف کن.

علی علیه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیریم، اما آب در خانه نبود پس فرزند نام حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم، اما آنها دست خالی بازگشتند. ناگهان هاتفی ندا داد: ای ابالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلق بود، در آن آبی از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر بود که بویی همچون عطر گل داشت با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن در قلبم احساس نمودم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا می دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟ علی علیه السلام عرض کرد: خدا و رسولش دانایانتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این سطل از سطل های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود و اما آن قطره که (خنکی آن را در قلبت احساس نمودی) از زیر عرش الهی بود پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه ی خود را به سینه ی او چسباندند و بین دو چشم او را بوسیدند و فرمودند:

حبيب من کسی است که جبرئیل علیه السلام دیروز خادمش بوده پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.

حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق

سید رضی در مناقب مفاخر می گوید:

شیخ واعظ پدر مجد پسر رشاد از شیخ غزالی روایت کرده است:

وقتی مهاجرین خواستند از حَبْشَه به مدینه باز گردند، پادشاه حَبْشَه به آنها گفت:

من می خواهم هدیه ای برای پیامبرتان بفرستم، آن گاه چند دانه یاقوت و عقیق داخل کیسه ای گذاشت و به آنها داد، پس مهاجرین خداحافظی کردند و به مدینه بازگشتند و آن هدایا را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، ایشان آن هدایا را بین اصحاب تقسیم کردند و هیچ چیزی برای خودشان نگذاشتند به جز یک دانه عقیق، سپس به امام علی علیه السلام رو کردند و فرمودند:

ای علی! برو نزد نقاش تا آنچه من دوست دارم یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را روی این عقیق حک کند.

علی علیه السلام هم نزد نقاش رفت و به او گفت: روی این عقیق آنچه را رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست دارد یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و هر آنچه را که من دوست دارم یعنی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» را حک کن.

نقاش نیز آن را به دستور امام علی علیه السلام روی عقیق حک کرد و امام علی علیه السلام آن را برداشتند و نزد پیامبر برگشتند و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عقیق را دیدند خیلی تعجب کردند و به امام علی علیه السلام فرمودند:

ای علی! آیا به تو نگفتم فقط یک سطر روی آن حک کند، پس چرا این سه سطر است؟

امام علی علیه السلام در جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند: قسم به آن خدایی که شما را بر حق برگزید، من فقط به نقاش گفتم دو سطر روی عقیق حک کند، آنچه را که شما دوست داشتید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آنچه را که من دوست داشتم «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و من از سطر سوم هیچ خبر ندارم، پس در همان لحظه جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و فرمود:

ای محمد! پروردگارت به تو سلام می رساند و ... می فرماید:

سلام مرا به علی علیه السلام برسان و ... ای محمد! تو به علی امر فرمودی آنچه را که دوست داشتی حک کند و علی علیه السلام نیز آنچه را که دوست داشت به نقاش امر فرمود و ما نیز آنچه را که دوست داشتیم امر فرمودیم؛ «عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (۱).

عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام

احمد بن حنبل آورده است که عمر گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراسم اخوت و برادری را بین مسلمانان برقرار کرد و علی علیه السلام را ترک نمود تا کار به پایان رسید و برادری برای علی معرفی نشد. پس علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله! مراسم اخوت را بین افراد مسلمان برقرار نمودی اما مرا ترک کردی! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از چه رو پنداری تو را ترک کردم؟ همانا تو را ترک نمودم برای خودم آنگاه فرمود:

«أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ فَإِنْ ذَاكَرَكَ أَحَدٌ فَقُلْ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ لَا يَدْعِيهَا بَعْدَكَ إِلَّا كَذَّابٌ»

تو برادر منی و من برادر تو، پس اگر کسی در این باره با تو سخن گفت، بگو من بنده خدا و برادر رسولش هستم، هرگز کسی بعد از من ادعای این مقام را نکند مگر کذاب دروغگو. (۲)

حدیث نخله صبحانی

علامه عینی صنفی با ذکر سند نقل کرده است که ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش حضرتش رسید فرمود:

ص: ۷۲

۱- مدینه المعاجز ص ۲۰۷.

۲- همان ص ۷۸.

آ تدرن ما قالت النخلة؟ آیا می دانید نخله چه گفت؟

ما گفتیم: خدا و رسولش بدان آگاهتر باشند.

پیامبر فرمود: صاحت «هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَصِیُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (۱)

درخت نخله ی فریاد زد: این محمد، رسول خدا است و وصیش علی بن ابیطالب علیه السلام

فسمّاها النبی صلی الله علیه و آله و سلم من تلك الصّحیة؛ «نَخْلَةُ الصّیحانی»

پس به همین علت (که آن نخل صیحه زد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را نخل صیحانی نامیدند.

حدیث جام آسمانی

در ارشاد القلوب دیملی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که:

رسول خدا در جای از مسجدش در مدینه نشست و گروهی از مهاجرین و انصار گردش بودند و حضرت امیرالمومنین هم در طرف راست و ابوبکر و عمر هم در طرف چپ پیامبر بودند ناگاه ابری بر او سایه افکند حضرت رسول فرمود ای ابالحسن! از طرف خداوند ارمغانی به ما داده شد بعد پیامبر دستش را به سوی ابر دراز کرد و نزدیک شد، به دست پیامبر از آن ابر جامی آشکار شد و به طوری می درخشید که چشمهای مسجدیان را خیره کرد آن جام را بوهای خوشی بود که عقل را از سر مردم می برد آن جام با زبان عربی تسبیح و تقدیس و تمجید خدای تعالی را می کرد تا اینکه در کف دست راست پیامبر قرار گرفت و می گفت:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَصَفْوَتَهُ، وَرَسُولُهُ الْمُخْتَارَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَالْمُفَضَّلَ عَلَى أَهْلِ مُلْكِكَ اللَّهُ أَجْمَعِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
وَ عَلَيَّ وَصِيَّكَ

ص: ۷۳

۱- امام امیرالمومنین علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۰ به نقل از مناقب علی ص ۱۵ ج ۱.

خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نُورِ الْمُسْتَبِيرِينَ وَ سَرَاجِ الْمُقْتَدِينَ وَ عَلَى زَوْجَتِهِ ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
الزَّهْرَاءِ فِي الزَّاهِرِينَ الْبُتُولِ أُمِّ الْمَأْتَمَةِ الرَّاشِدِينَ الْمَعْصُومِينَ وَ عَلَى سِبْطِيكَ وَ نُورِيكَ وَ رِيحَانَتِيكَ وَ قُرَّتِي عَيْنِيكَ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنَ فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ جَمِيعٌ مِّنْ حَضَرَ يَسْمَعُونَ مَا يَقُولُ الْجَامُ وَ
يُغْضُونَ أَبْصَارَهُمْ عَنِ تَلَالُؤِ نُورِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ يُكْتَرُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَ وَ شُكْرِهِ

درود بر تو ای دوست خدا و برگزیده حق از جهانیان و برتری دارنده ی بر تمام بندگان خدا از اولین و آخرین و درود بر
جانشین تو که بهترین جانشینان است. امام پرهیزکاران امیرالمومنین، نور کسانی که طلب نور می کنند، چراغ اقتدا کنندگان و
درود بر همسر او دختر تو فاطمه بهترین زنان جهانیان زهرای بتول مادر پیشوایان هدایت کننده ی معصوم و پاکدامن و درود بر
دو سبط تو، دو ریحانه ی تو نور چشمهای تو حسن و حسین.

رسول خدا و امیرالمومنین و حسن و حسین تمامشان شنیدند آنچه را که جام گفت تمام حاضران دیدگان را از درخشش جام
بستند رسول خدا سپاس و شکر خدا فراوان کرد تا اینکه جام گفت: ای رسول خدا! خدا مرا به سوی تو و برادرت علی و
دخترت فاطمه و حسن و حسین فرستاد.

ای رسول خدا! مرا به دست علی علیه السلام بده. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بگیر جام را ای ابالحسن که
هدیه ی خداست به سوی تو، علی علیه السلام جام را گرفت و بوسید و بوید و گفت مرحبا به کرامت خدا برای رسول و آل
رسول.

جام، محمد را ستایش و تبشیر کرد و پروردگار را تکبیر و تهلیل گفت سپس گفت ای رسول خدا! به علی بگو مرا به فاطمه و
حسن و حسین بدهد چنان که خدای

عز و جل به من فرمان داده و رسول خدا فرمود: برخیز یا ابالحسن جام را در اختیار فاطمه و دو حبیب من حسن و حسین قرار ده.

علی حرکت کرد و جام را برداشت در حالی که نور جام از نور خورشید زیادتر بود، بوی خوش آن، خردها را زایل کرده بود تا آنکه علی بر فاطمه و حسن و حسین وارد شد جام را به آنان برگرداند همه تحیت گفتند و جام را بوسیدند، ذکر محمد و سپاس خدا فراوان گفتند بعد جام را به رسول خدا برگرداندند.

چون جام در دست رسول خدا قرار گرفت عمر بلند شد بر دو پا ایستاد و گفت ای رسول خدا چرا هر ارمغانی که از طرف خدا برای تو آورده می شود در اختیار علی و فاطمه و حسن و حسین قرار می دهی، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز به تو جرأت داده آیا سخنان جام را نشنیدی که از من می خواست که او را به دیگران از اهل بیتم بدهم.

پس عمر گفت: رسول خدا اجازه می دهی من هم جام را بگیرم و ببوسم و ببویم فرمود: وای بر تو ای عمر، به خدا سوگند که این کار برای غیر از ما نیست نه تو و نه تمامی مردم.

عرض کرد: ای رسول خدا اجازه می فرمایید که دستی بر جام برسانم حضرت رسول فرمود چقدر اصرار می کنی؛ اگر توانستی دست به جام بزنی من محمد رسول خدا نیستم و این جام هم به حق از طرف خدا نیامده است.

عمر بلند شد و دست به طرف جام دراز کرد دستش به جام نرسید جام حرکت کرد و به طرف ابر بلند شد و می گفت ای رسول خدا با زائر این چنین رفتار می کنند؟

سپس رسول خدا فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز تو را بر خدا و رسولش جری کرد.

ای ابالحسن برخیز و دست به سوی او دراز کن، جام را بگیر و به او بگو خدا به تو فرمان داده که جام را به ما برگردانی تا به جام برسیم، جام را گرفت علی علیه السلام

به جام گفت رسول خدا می فرماید چه چیز خداوند به تو فرمان داده که آن را بگویی که تو فراموش کردی بگوئی.

جام گفت: بلی ای برادر رسول خدا، خداوند به من فرمان داده بگویم برای شما که خداوند مرا وقف کرده بر هر مرد مومن و مؤمنه ای از شیعیان شما و فرمان داده که هنگام مرگش حاضر شوم.

وسایل خاصه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد

در کتاب مَوَدَّات از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

«در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در کنار امیرالمومنین علی علیه السلام بود و مهاجر و انصار نیز در منزل سید المرسلین مجتمع بودند و در آن هنگام پیامبر رو به سوی امیرالمومنین علیه السلام کرده، فرمود:

یا اخی، قبول می کنی وصیت مرا و به جا می آوری وعده های مرا؟

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: بلی یا رسول الله و پس گریه شدیدی نمود؛ چنانچه از کثرت رقت، بیهوش گردید. پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای بلال! بیاور شمشیر و کلاه خود و زره و اسب و ناقه و سنگ پارچه ای که در ایام فاقه هنگام عبادت بر شکم می بستم.

بلال به فرموده ی پیامبر قیام نمود و هر آنچه را که حضرت بیان نمودند، عملی کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا اخی و وصیی این اسباب خاصه من به تو تعلق دارد، اینها را ببر به منزل خود که هیچ کس را بعد از من در این امور با تو مضایقه نباشد. امیرالمومنین علی علیه السلام آن وسایل را متبرک بر سر و دیده مالیده در حضور مهاجر و انصار به خانه خود برد» (۱).

ص: ۷۶

در اینجا دو نکته از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده که اهل ادراک و تعقل باید روی آن اندیشه کنند؛ یکی آنکه حضرت امیرالمومنین را به اُخی و وصی صدا می زدند تا همه ی مهاجران و انصار در آخرین لحظات نیز پی به وصایت علی علیه السلام برده دست از او بردارند و او را یاری نمایند و دیگر آنکه در این وصیت هیچ کدام از انصار و مهاجرین چنین منقبت و فضیلتی را دریافت نکردند که بتوانند آنچه را که پیامبر بدان سفارش کرده بود عملی نمایند جز علی علیه السلام و این از بالاترین فضیلت های امیرالمومنین علیه السلام است که عقول بسیاری از آن عاجز است و سخن دیگر آنکه امروزه وهابی ها به شیعه ایراد می گیرند که دلیل تبرک قبور ائمه معصومین شرک و کفر است و تبرک کردن بدعت گذاری شیعه بوده و چنین در تاریخ بیان نشده است! اما این حدیث پاسخی مستحکم برای آنهاست که چنین تفکری را دارند زیرا که علی علیه السلام از افضلین صحابه پیامبر و در حقیقت از نظر ما جان هستی، وقتی وسایل و اسباب پیامبر را دریافت کردند برای عظمت و بزرگی صاحب آن (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به چشم مالیدند و بوسه زدند و گریه شدید سر دادند.

تنها علی علیه السلام بر شانه ی پیامبر بالا رفت

علی علیه السلام می گوید: با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم تا به کعبه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر شانه های من بالا رفتند و حضرت را بر پا کردم. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ناتوانی من را احساس کردند فرمودند بنشین، نشستم پیامبر پایین آمدند و نشستند و فرمود بر شانه های من بایست پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاستند و من را بلند کرده گویی آن قدر بالا رفته بودم که اگر می خواستم به افق آسمان دست می یافتم پس بر فراز کعبه آمدم و سپس با دستهای خود بت های کوچک و بزرگ را که از جا بر کندم و چون از جا کنده شد و بر آن فائق آمدم پیامبر فرمود به منزل شتابان برویم.

آری این چه توان و قدرت است که بتواند بار ولایت علی علیه السلام را جز پیامبر متحمل شود و آنچه توانی است که بتواند بر دوش نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز علی علیه السلام بایستد.

علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی کند

عن عبدالرحمان بن أبی لیلی:

أَنَّ عَلِيًّا خَرَجَ عَلَيْنَا فِي حَرٍّ شَدِيدٍ، وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الشِّتَاءِ، وَ خَرَجَ عَلَيْنَا فِي الشِّتَاءِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الصَّيْفِ، ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَشَرِبَ، ثُمَّ مَسَحَ الْعِرْقَ عَنِ جَبْهَتِهِ. فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى أَبِيهِ قَالَ: يَا أَبَاهُ؛ أَرَأَيْتَ مَا صَنَعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ خَرَجَ إِلَيْنَا فِي الشِّتَاءِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الصَّيْفِ، وَ خَرَجَ عَلَيْنَا فِي الصَّيْفِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الشِّتَاءِ! فَقَالَ أَبُو لَيْلَى: هَلْ فَطَنْتَ؟ وَ أَخَذَ بِيَدِ ابْنِهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، فَأَتَى عَلِيًّا فَقَالَ لَهُ الَّذِي صَنَعَ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَانَ بَعَثَ إِلَيَّ وَ أَنَا أُرْمَدُ، شَدِيدَ الرَّمْدِ، فَبَزَقَ فِي عَيْنِي، ثُمَّ قَالَ: افْتَحْ عَيْنَيْكَ، فَفَتَحْتَهُمَا فَمَا اشْتَكَيْتَهُمَا حَتَّى السَّاعَةِ، وَ دَعَا لِي فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ. فَمَا وَجَدْتُ حَرًّا وَ لَا بَرْدًا حَتَّى يَوْمِي هَذَا» (١)

عبدالرحمان می گوید: علی علیه السلام در گرمای شدید، لباس زمستانی و در سرما با لباس تابستانی نزد ما می آمد و در آن هوای سرد آب می طلبید و می نوشید و عرق از پیشانی خود پاک می کرد. عبدالرحمان به پدرش ابولیلی می گوید: پدرم، آیا

ص: ٧٨

١- خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعيب نسائي، نشر بوستان كتاب ص ١٥٦.

امیرالمؤمنین را دیدی؟ وی در زمستان با لباس تابستانی و در تابستان با لباس زمستانی نزد ما می آید. ابولیلی به او گفت: آیا به راز این نکته پی بردی؟ و دست پسرش عبدالرحمان را گرفت و نزد علی علیه السلام آمد و به ایشان ماجرا را گفت، حضرت به وی فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را فراخواندند و من دچار چشم درد شدیدی بودم. آب دهان در چشم مالیدند و سپس فرمود: چشمانت را باز کن» باز کردم، دیگر تاکنون احساس چشم درد نکرده ام. پس برای من دعا کرد و فرمود: «خدایا احساس سرما و گرما را از وی ببر.» پس از آن تاکنون احساس گرما و سرما نمی کنم.

حدیث صاحب النعل

ابو سعید الخدری قال:

كُنَّا جُلُوسًا نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا قَدْ انْقَطَعَ شِئْءٌ نَعْلِهِ، فَرَمَى بِهَا إِلَيَّ عَلِيٌّ فَقَالَ: «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ».

فقال أبو بكر: أنا؟ قال: «لا».

قال: عمر: أنا؟ قال: «لا، وَ لَكِنَّ صَاحِبَ النَّعْلِ».

ابوسعید خدری می گوید:

ما به انتظار رسول خدا بودیم حضرت که بند کفششان پاره شده بود به نزد ما آمدند کفش را به علی علیه السلام دادند تا وصله زند. پس فرمود: «از شما کسی است که بر اساس تأویل قرآن می جنگد، همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن

می جنگم.» ابوبکر گفت: آن کس منم؟ فرمود، نه، عمر گفت: منم؟ فرمود: «نه، او کسی است که هم اکنون کفش پاره ی مرا وصله می زند.» (۱)

حدیث سابقین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

سَبَقَ يُوشَعَ بْنَ نُونٍ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَاحِبُ يَسَ إِلَى عِيسَى وَ سَبَقَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

از ابن عباس روایت کرده فقیه شافعی ابن مغازلی در تفسیر آیه شریفه «السابقون السابقون» که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سبقت گرفت یوشع بن نون به سوی موسی و صاحب یس به سوی عیسی و سبقت گرفت علی بن ابی طالب علیه السلام امیرمؤمنان به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیلمی از عایشه و طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سابقین و پیشی گیرندگان سه نفرند. سابق موسی، یوشع بن نون است و سابق عیسی، صاحب یس و سابق به سوی من علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

حدیث لیلہ الخطاب حضرت موسی علیه السلام

وَ مِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ وَهْبُ بْنُ مُنْبِهِ قَالَ:

إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ الْخُطَابِ وَجَدَ كُلَّ شَجَرَةٍ وَ مَدْرَةٍ فِي الطُّورِ نَاطِقَةٍ بِذِكْرِ

ص: ۸۰

۱- خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعيب نسائي ص ۱۶۰.

۲- علی قائد الغر المحجلین ص ۱۱۷، به نقل از ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰.

مُحَمَّدٍ وَنُقَبَائِهِ، فَقَالَ: رَبِّي إِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئاً مِمَّا خَلَقْتَ إِلَّا وَهُوَ نَاطِقٌ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَنُقَبَائِهِ فَقَالَ اللَّهُ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي خَلَقْتُهُمْ قَبْلَ الْأَنْوَارِ وَجَعَلْتُهُمْ خزانة الْأَسْرَارِ يُشَاهِدُونَ أَنْوَارَ مَلَكَوتِي وَجَعَلْتُهُمْ خزانة حِكْمَتِي وَ مَعْدَن رَحْمَتِي وَ لِسَانَ سِرِّي وَ كَلِمَتِي خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبِّي فَاجْعَلْنِي مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ.

فَقَالَ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِذَا عَرَفْتَ مُحَمَّدًا وَ أَوْصِيَاءَهُ وَ عَرَفْتَ فَضْلَهُمْ وَ آمَنْتَ بِهِمْ فَأَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ. (۱)

روایت کرده وَهْبُ بْنُ مُبَيَّهٍ که گفت: موسی علیه السلام شبی که مورد پذیرش و خطاب الهی قرار گرفت وقتی به کوه طور رفت به هر درختی که می رسید مشاهده می کرد که درختان همه ذاکر به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام هستند.

پس موسی گفت: پروردگارا به درستی که من ندیدم شیء ای از مخلوقات را جز اینکه ناطق به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام بودند.

حضرت حق فرمودند: ای پسر عمران، به درستی که من خلق کردم ائمه را قبل از اینکه اشیاء دیگر را خلق کنم و آنها را خزانة داران اسرار و شاهدان انوار ملکوتی قرار دادم و اینها خزانة دار حکمت هستند و معدن رحمت و زبان سرّ و کلمه ی من و دنیا و آخرت را فقط به خاطر اینها خلق کردم.

پس موسی گفت: پروردگارا مرا از امت محمد قرار ده. پس حضرت حق جَلَّتْ عِظْمَتُهُ، فرمودند: ای پسر عمران هنگامی که محمد و اوصیانش را شناختی و به فضل اینها معرفت پیدا کرده و ایمان به ایشان آوردی تو از امت محمد خواهی بود.

ص: ۸۱

علی علیه السلام میان دو خلیل

فی کنز العمال و لفظه: (۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، فَقَصْرِي فِي الْجَنَّةِ وَ قَصِيرُ إِبْرَاهِيمَ فِي الْجَنَّةِ مُتَقَابِلَيْنِ وَ قَصْرُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَ قَصْرِي وَ قَصْرِ إِبْرَاهِيمَ فَيَا لَهُ مِنْ حَيْبٍ بَيْنَ خَلِيلَيْنِ

(قَالَ) أَخْرَجَهُ الْحَاكِمُ فِي تَارِيخِهِ وَ الْبَيْهَقِيُّ فِي فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

خدای تعالی مرا خلیل خود ساخت همانطور که ابراهیم علیه السلام را خلیل خود قرار داده بود، برای همین قصر من در بهشت روبروی قصر حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد و قصر علی علیه السلام هم در میان قصر من و قصر حضرت ابراهیم علیه السلام بر پا شده است. اینک خوشا به حال محبوبی که در میان دو خلیل است.

«متقی» گفته است که «حاکم» این حدیث را در «تاریخ بیهقی» در فضائل صحابه نقل کرده است. (۲)

علی علیه السلام منار الأنام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ مَنَارَةُ الْأَنَامِ وَ غَايَةُ الْهُدَى. (۳)

ای علی! همانا تو منار مردم و غایت هدایتی.

ص: ۸۲

۱- کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۶.

۲- فضائل الخمسة من الصحاح الستة ج ۳ ص ۱۱۵، سید مرتضی فیروزآبادی.

۳- شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۳، احقاق الحق ج ۲۰ ص ۳۸۴ و ج ۲۲ ص ۳۴۳.

حدیث صُلب

حدیث اول

الطَّبْرَانِيُّ عَنِ الْخَطِيبِ عَنِ جَابِرٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ نَبِيِّ فِي صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

طبرانی از جابر و خطیب از ابن عباس گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای سبحان قرارداد فرزندان هر پیغمبری را در صُلب او و فرزندان مرا در
صُلب علی بن ابیطالب علیه السلام.

حدیث دوم

«خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صُلب او قرار داد و ذریه مرا در صُلب علی بن ابی طالب علیه السلام گذاشت.»

حدیث سوم

جابر فرزند عبدالله انصاری گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای با قدرت و جلالت نسل هر پیامبری را در
پشت خودش قرار داده است. و خدا نسل محمد را از پشت علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داده است. (۱)

حدیث اختیار

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ أَنْصَارِيٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ بِفَاطِمَةَ:

أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ إِلَيَّ أَهْلَ الْأَرْضِ فَاخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ فَبَعَثَهُ نَبِيًّا ثُمَّ أَطَّلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهُمْ بَعْلَكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَنْكَحْتُهُ إِيَّاكَ
وَ اتَّخَذْتُهُ وَصِيًّا. (۲)

ص: ۸۳

۱- کتاب علی قائد الغر المحجلین ص ۱۱۶ به نقل از: حدیث ۷۲ از کتاب مناقب ابن مغزالی ص ۷۲.

۲- کفایه الطالب ص ۲۹۶.

ابو ایوب انصاری گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه سلام الله علیها فرمود: آیا نمی دانی که خداوند به مردم روی زمین نگریست و از میان همه ی آنها پدرت را انتخاب کرده و به پیغمبری مبعوث فرمود؟ آنگاه بار دوم نگریست شوهرت را اختیار کرد و به من وحی فرستاد که تو را به او تزویج نموده و او را جانشین خود قرار دهم.

حدیث شباهت

حدیث اول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبْغَضَتْهُ الْيَهُودُ حَتَّى بَهَتُوا أُمَّهُ وَ أَحَبَّتْهُ النَّصَارَى حَتَّى أَنْزَلُوهُ الْمَنْزِلَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ (١)

ای علی خداوند در تو شباهتی به عیسی بن مریم علیه السلام قرار داده، یهود او را دشمن داشتند، حتی این که به مادرش بهتان زدند، نصاری او را دوست داشتند و منزلتی برای او قائل شدند که اهل آن نبود.

حدیث دوم

و احمد و بزار و ابویعلی و حاکم از علی علیه السلام نقل کردند که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا خواند نزد خود و فرمود: در تو شباهتی می باشد به عیسی علیه السلام (در حق تو گفته می شود آنچه برای عیسی علیه السلام گفتند.) یهود دشمن وی بودند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و نصاری دوست او بودند. تا آنجا که گفتند برای او چیزی را که دارا نبود. بعد علی علیه السلام فرمود: بدانید در من دو گروه

ص: ۸۴

و دو طایفه هلاک و نابود می شوند، دوست مفرط که به من نسبت می دهد آنچه که در من نیست و دشمنی که او دارد دشمنی من او را به بهتان زدن در من. (۱)

حدیث هجوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَغَارَ عَلَيْهِمْ أَوْ سَبَّهُمْ (۲)

خداوند بهشت را بر کسی که به خاندان من ستم کند یا با آنها مقاتله کند یا به آنها هجوم بیاورد و یا دشنام به آنها دهد حرام کرده است.

احمد و حاکم به سند صحیح از ام سَلَمَه گوید: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که دشنام بدهد علی را، مرا دشنام داده است (۳)

از طرفی باید گفت که کلیه مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند به جز تعداد افرادی که انگشت شمار در مدینه در کنار اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتند.

به این دلیل تمام مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند که دختر رسول خدا فاطمه سلام الله علیها در روزهای آخر عمر خویش به علی علیه السلام خطاب نمودند که ای علی! من راضی نیستم آنهایی که به من ظلم کرده اند در تشییع جنازه ام حاضر شوند و این مسئله مُحَرَز و یقینی می باشد که هیچ کس از مردم مدینه توفیق بر نماز و تشییع بدن دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پیدا نکرد حتی محبین آن حضرت و از باب غلبه باید گفت اینان ظالم بودند چون هیچ کدام توفیق تشییع و تجلیل از

ص: ۸۵

۱- ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸.

۲- ذخائرالعقبی ص ۲۰.

۳- ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸.

پیکر پاک گوهر تابناک اهل بیت را پیدا نکردند «أَوْ قَاتَلَهُمْ» و آنهایی که قاتل اهل بیت علیهم السلام بودند آنها نیز بهشت بر ایشان حرام می باشد یعنی قاتلین حضرت زهرا سلام الله علیها (غاصبین، معاندین، مهاجمین به خانه و آنانی که آتش زدند درب خانه ی حضرت را) و قاتل علی علیه السلام و قاتل امام حسن علیه السلام و قاتل امام حسین علیه السلام و سایر ائمه ی اطهار علیهم السلام «أَوْ أَعْمَارَ عَلَيْهِمْ» مهاجمین در مدینه مهاجمین در صفین و جمل و نهروان و مهاجمین در کربلا که چون گرگ به خیمه های اباعبدالله الحسین علیه السلام حمله کردند و پرده های خیم را پاره پاره کردند ...

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ.

«أَوْ سَيَّبَهُمْ» معاویه و همان افرادی که به دستور معاویه به علی علیه السلام دشنام می دادند که در نهایت با صلح مصلحتی امام حسن علیه السلام با معاویه یکی از شرایط معاهده ممنوع بودن دشنام در بالای منبر به علی علیه السلام و پذیرش معاویه شد پس این پیش بینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تحقق پذیرفت و معاویه مصداق ظاهر و آشکار دشنام دهنده ی به اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت که آتش دوزخ جایگاهش خواهد بود. (۱)

حدیث استرشاد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ إِنْ اسْتَوْشَدْتُمُوهُ لَنْ تَضِلُّوا وَ لَنْ تَهْلِكُوا؟

ص: ۸۶

قالو بلی یا رسول الله، قال هُوَ هَيِّدًا وِإِشَارَإِ إِلَى عَلِي بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ قَالَ وَ أَخُوهُ وَ وَاَزْرُوهُ وَ أَصِيدِقُوهُ وَ انصَحُوا حُوَّهُ فَإِنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي بِمَا قُلْتُ لَكُمْ (۱)

زید بن ارقم گوید ما هنگامی که در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم حضرت فرمود:

آیا شما را راهنمایی نکنم به کسی که چون از او استرشاد کنید هرگز گمراه نشوید و هرگز به هلاکت نیفتید؟ گفتند: آری یا رسول الله! حضرت فرمود: آن شخص این است و اشاره به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود و سپس فرمود: با او برادری کنید و یاری اش نمایید و او را محب صادق و دوست راستین باشید زیرا آنچه را که (درباره ی او) به شما گفتم جبرئیل به من خبر داد.

حدیث فاروق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمٌ:

سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالزِمُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَ أَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ فَارُوقٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ هُوَ يَعْسُوبُ الدِّينِ. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به زودی پس از من فتنه ای برپا خواهد شد، پس زمانی که چنین شد ملازم علی بن ابیطالب علیه السلام باشید زیرا که او اول کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند، او صدیق اکبر و فاروق (جدا کننده) این امت است که میان حق و باطل جدایی افکند و او بزرگ و پیشوای دین است.

ص: ۸۷

۱- مناقب ابن مغازلی ص ۲۴۵.

۲- اسدالغابه ج ۵ ص ۲۸۷.

دوستی حضرت علی علیه السلام و فضائل شیعیان

دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ حُبَّ عَلِيٍّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ (١)

دوستی علی بهترین عمل و سرور همه ی اعمال است.

دوستی علی علیه السلام سعادت‌مندی به تمام معنا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به علی علیه السلام نموده و فرمود:

« هُوَ هَيْدَا الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ »

«او امام مبین است که خدا علم هر چیز را در او فراهم آورده است و همانا خوشبخت و سعادت‌مند به تمام معنا کسی است که علی علیه السلام را در دوران زندگی

ص: ۸۸

۱- فضائل ابن شاذان ص ۱۴۱، بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۴۶.

و پس از مرگ دوست داشته باشد، گمراه و بدبخت به تمام معنا کسی است که با علی علیه السلام در دوران زندگی و پس از مرگ خود دشمنی کند.» (۱)

جان کندن او به راحتی صورت می گیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمَ:

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ يَجْعَلُ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا جان کندن را بر او در هنگام مرگ آسان می گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می دهد. (۲)

شیعه و دوستدار امیرالمؤمنین علیه السلام در این دنیا در بهشت است.

در محضر امام صادق علیه السلام شخصی عرض نمود: خدایا بهشت خود را نصیب ما بفرما! حضرت فرمودند:

شما شیعیان در همین دنیا هم در بهشت هستید، از خداوند بخواهید که از بهشت خارجتان نسازد. عرض شد: فدایتان شوم چگونه در بهشت هستیم در حالی که در دنیا هستیم؟ حضرت فرمودند: آیا شما اقرار به امامت ما ندارید؟ عرض شد چرا و فرمودند: همین (لذت ایمان شما) بهشت شماست و آن کسی که اقرار به امامت ما داشته باشد در بهشت است، از خداوند بخواهید که ولایت ما را از شما نگیرد (۳)

ص: ۸۹

۱- مشارق الأنوار فی فضائل امیرالمؤمنین ص ۵۵.

۲- همان ص ۱۸۷ ح ۱۰۳.

۳- انساب النواصب ص ۲۴ به نقل از بحارالانوار ج ۲ ص ۷۴.

عمرو بن ابی المقدام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: آگاه باشید که هر چیزی را گوهری است و گوهر فرزندان آدم علیه السلام حضرت محمد است و پس از آن حضرت، ما ائمه طاهرین و شیعیانمان هستیم.

خوشا بر شیعیان ما که چه نزدیکند به عرش خدای عزوجل و چه نیکو است رفتار خدای عزوجل نسبت به آنان در روز قیامت. به خدا سوگند! اگر بر مردم بزرگ و گران نمی آمد و شیعیان را خودبینی فرا نمی گرفت فرشتگان رو در رو به آنها سلام می کردند. به خدا سوگند! هیچ بنده ای از شیعیان ما نیست که قرآن را ایستاده در حال نماز بخواند جز آن که در برابر هر حرفی از آن صد حسنه به او دهند و اگر نشسته بخواند به هر حرفی پنجاه حسنه به او دهند و شخص خموش از شیعیان ما ثواب قرآن خوان مخالفین را دارد، شما به خدا قسم در بسترهای خود خفته اید و مزد مجاهدان را دارید و در نماز هستید و ثواب صف بستگان در راه خدا را دارید، شما باید به خدا سوگند آن کسانی که خدای عزوجل درباره شان فرموده: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (۱)

یعنی «کینه ای که در سینه شان بوده کنده ایم و برادرانه بر تختها روبروی هم هستند»

به راستی که شیعیان ما چهار چشم دارند، دو چشم در سر، دو چشم در دل، آگاه باشید که همه این طورند ولی خدای عزوجل چشمهای شما را بینا کرده به ولایت ما و چشمهای مخالفین ما را به ولایت کور کرده است. (۲)

ص: ۹۰

۱- فجر: ۴۷.

۲- دو بال برای پرواز ص ۳۲، سید ابو محمد به نقل از گلگشت نور، چهارصد حدیث از روضه ی کافی ص ۳۶۸ ح ۱۷۹.

ما زیارت شیعیان را دوست می داریم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم من دوست می دارم بوی شما شیعیان جدم علی علیه السلام و روح شما و دیدن و زیارت نمودن شما را و من بر دین خدا و ملائکه خدا هستم. پس شما شیعیان کمک کنید ما را به وسیله ورع و پاکدامنی و من در مدینه مثل یک تار مو این طرف و آن طرف نگاه می کنم تا یکی از شما را ببینم و دلم آرام بگیرد.»^(۱)

اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی ها

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمْرَةَ كُوفِيٌّ مِي گويد: از امام صادق علیه السلام شنيدم كه فرمود: هر كس در راه ما به خاطر خونی كه از ما ريخته شده، يا حقی كه از ما تاراج رفته، يا پرده ی آبرو و حیثیتی كه از ما اهل بيت عليهم السلام يا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره ی اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را يك حُقْب (كه هشتاد سال است) در بهشت جای دهد.^(۲)

دوستی علی علیه السلام در قلب محبتین ثابت تر از كوه احد

«... امیرالمؤمنین علیه السلام رو به اصحابش كرد و فرمود: ای صحابه، به خدا قسم به هیچ كاری اقدام نكردم مگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره ی آن با من عهد و پیمان کرده بود. خوشا به حال كسی كه محبت ما اهل بيت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین كسی ثابت تر از كوه احد در مكانش خواهد بود و هر

ص: ۹۱

۱- انساب النواصب ص ۲۸ به نقل از بحار ج ۶۸ ص ۲۸.

۲- دو بال برای پرواز ص ۳۶، به نقل از امالی شیخ مفید ص ۱۹۳ ح ۵.

کس که دوستی ما در قلب او جای نگیرد ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب است. (۱)

با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی شد.

عن ابن عباس قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ. (۲)

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر مردم بر دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام گرد می آمدند خداوند دوزخ را نمی آفرید.

فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.

قال ابو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ وَلَا يَثْبُتُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ (۳)

پیامبر فرمود: جز پرهیزگاران کسی بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی ماند.

دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (۴)

حضرت رسول فرمودند: عنوان صحیفه مؤمن دوستی علی است.

ص: ۹۲

۱- اسرار آل محمد (، ص ۵۱۶.

۲- الحکم الزاهره، ترجمه انصاری ص ۱۸۰.

۳- همان.

۴- همان.

شیعیان ما از شیرینی آفریده شده اند.

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوَفَّقِ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شِيعَتَنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلْوَاءِ فَنَحْنُ نُحِبُّ الْحَلْوَاءَ. (۱)

احمد بن هارون بن موفق المدینئی از پدرش نقل کرده که گفت: روزی امام کاظم علیه السلام دنبال من فرستادند پس در محضر حضرتش طعام خوردم و این در حالی بود که سر سفره حضرت شیرینی زیادی قرار داشت پس عرض کردم چقدر این شیرینی ها زیاد است، پس امام علیه السلام در جواب فرمودند: همانا ما و شیعیانمان از شیرینی آفریده شده ایم پس ما شیرینی را دوست داریم.

نوشته ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا»

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابًا لَنَا كَتَبَهُ اللَّهُ يَا أَبَا سَعِيدٍ فِي وَرَقٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلَائِقَ بِالْفَنِيِّ عَامٍ صَيَّرَهُ مَعَهُ فِي عَرْشِهِ أَوْ تَحْتَ عَرْشِهِ فِيهِ يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ

ص: ۹۳

أَعْطَيْتَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي مَنْ أَتَانِي مِنْكُمْ بِوَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي (۱)

ابوسعید مدائنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنی این سخن خداوند عزوجل در قرآن چیست؟ «و تو نبودی آن زمانی که ما در طور ندا کردیم» امام علیه السلام فرمودند:

نوشته ای است که خداوند دو هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات آن را برای ما بر روی ورقی نوشت و آن را با خود در عرض یا در زیر عرشش قرار داد و در آن مکتوب آمده است: ای شیعیان آل محمد، من به شما عطا کردم قبل از آنکه درخواست کنید و قبل از آنکه استغفار کنید. شما را آمرزیدم و هر که با ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد من بیاید او را با رحمت خود در بهشت ساکن می کنم.

ثواب طعام دادن به دوستان علی علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِمَا أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ كَمْ الْأَفْقُ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ. (۲)

عَمْرُو بْنُ أَبِي مِقْدَامٍ از قول پدرش از قول امام باقر علیه السلام نقل کند که فرمودند: اگر مردی از شیعیانم را طعام دهم نزد من از اطعام افقی از مردم محبوبتر است. راوی می گوید پرسیدم: افق چه تعدادی از مردم است؟ فرمودند: یکصد هزار نفر.

دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه چنگ زدند.

ص: ۹۴

۱- اختصاص للمفید ص ۱۱۱.

۲- وسائل الشیعه: ۲۴/۳۴۶.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكُمْ إِنَّ النَّاسَ سَيَلَكُوا سَيْبًا شَتَّى مِنْهُمْ آخِذٌ بِهَوَاهُ وَمِنْهُمْ آخِذٌ بِرَأْيِهِ وَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ بِأَمْرِ لَهُ أَضَلُّ (١)

شیعیان علی علیه السلام متعلمین هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ النَّاسَ رَجُلَانِ عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ وَسَائِرُ النَّاسِ عُثَاءٌ فَخُنَّ الْعُلَمَاءُ وَشِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَسَائِرُ النَّاسِ عُثَاءٌ

امام صادق علیه السلام فرمودند: در میان مردم دو دسته مرد وجود دارد: عالم و متعلم و سایر مردم خار و خاشاک هستند. پس ما عالمان هستیم و شیعیان و دوستان ما اهل آموختن علم (متعلم) و بقیه ی مردم خار و خاشاک هستند. (٢)

محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله

بِالسَّلَامِ وَأَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَأَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَأَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَخْزَنُونَ أَسْمَاءَكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُضِيِّحُونَ وَأَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَالْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَإِذَا أذَنْبُكُمْ اسْتَغْفِرُوا وَأَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَقُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ - لِلْجَنَّةِ خُلُقْتُمْ وَفِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَإِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ

ص: ٩٥

١- بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٩٠.

٢- بصائر الدرجات ص ١٧.

... قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ

أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ عِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ لَا حِسَابَ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حُزْنٌ

ابی حمزه گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: (۱) شما (محبین) اهل تحیت خدا و رحمت او هستید و از اکرام شدگان حقیق و اهل توفیق و در عصمت پروردگارید و اهل دعوت خدا و بندگی او می باشید حساب و ترس و اندوهی بر شما نیست.

ملائکه های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می کنند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٌ:

خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمُجِبِّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند از نور چهره ی علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد هزار ملک بیافریده که تا روز قیامت برای او و محبین او استغفار کنند.

سبیل الله، شیعه است

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَالَ سَبِيلُ اللَّهِ شِيعَتُنَا. (۳)

ص: ۹۶

۱- همان ص ۱۴.

۲- بحار الانوار ج ۶۸ ص ۱۴۲.

۳- مرآة الابرار ص ۱۲۸ ترجمه احمد رضا آقاداتی.

حسن بن راشد گوید: در مدینه از امام عسکری علیه السلام در مورد مردی که وصیت کرده بود مالی را در راه خدا (سبیل الله) خرج کنند سؤال کردم که سبیل الله چه راهی است؟ امام فرمودند: سبیل الله شیعیان ما هستند.

کیفیت خانه های بهشتی شیعیان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ. (۱)

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: همانا اهل بهشت به منازل شیعیان ما نگاه می کنند همانگونه انسان به ستارگان آسمان نگاه می کند.

اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابداً از خوبی بهره ای نمی بردند

امیرالمومنین علیه السلام به قنبر فرمود: بشارت باد شما را و خوشحال شوید، به خدا قسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت در حالی که بر امتش خشمناک بود مگر گروه شیعیان، بدانید برای هر چیز شرفی است و شرف دین شیعه است، برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس جایگاه شیعیان است و برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین ها، زمینی است که شیعه در آن مأوی گزیند، بدانید، برای هر چیزی محبوبی هست و محبوب دنیا مسکنی است که شیعه ما در آن جای دارد. به خدا قسم اگر کسی از شما در زمین نبود مخالفین شما ابداً از خوبی و پاکیزگی بهره ای نمی بردند و در آخرت نصیبی نداشتند...» (۲)

ص: ۹۷

۱- مرآه الابرار ص ۲۱۶.

۲- فضائل الشیعه ص ۱۱.

مَحَبَّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرُمَّتِ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْت

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ ضَرَبَ كَتِفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ الْعَرَبِيُّ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَهُوَ الْعِلْجُ فَشِيعَتُنَا أَهْلُ الْبُيُوتَاتِ وَالْمَعَادِنِ وَالشَّرَفِ وَمَنْ كَانَ مَوْلَدُهُ صَاحِبًا وَمَا عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بُرَاءٌ وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَهْدِمُونَ سَيِّئَاتِ شِيعَتِنَا كَمَا يَهْدِمُ الْقُدُومُ الْبُيُوتَانَ (١)

ابوذر رضی الله عنه گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی بن ابیطالب علیه السلام زد و فرمود: یا علی کسی که ما را دوست داشته باشد از عرب است (یعنی از ماست) و کسی که ما را دشمن داشته باشد بی دین است، شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شرفند و کسی که بر ملت ابراهیم علیه السلام نیست مگر ما و پیروان ما و سایر مردم از این راه بدورند.

منادی در عرصه ی قیامت، ندای این المَحْبُوبِ سر می دهد

وَرَوَى الْعَلَامَةُ الطَّبْرِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِاسْنَادِهِ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَةِ عَنْ فَرَّاشِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا أَنَسُ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَالُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

تَسَاءَلْنِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَرِدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرِ الْأَخْضَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ سَيِّئَاتُهَا مِنَ الْمَسْكَ

ص: ٩٨

الْأَذْفَرِ مَمْزُوجٍ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ عَلَيْهِ خَلْعَانِ مِنَ النُّورِ مُتَزَرِّزٌ بِوَاحِدِهِ وَ مُزْتَدٍ بِالْآخَرَى بِيَدِهِ لَوَاءُ الْحَمْدِ لَهُ أَرْبَعُهُ شَقَّهَ لَمَلَّتْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ
وَ الْأَرْضِ حَمَزُهُ بَنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنْ يَمِينِهِ وَ جَعْفَرُ الطَّيَّارُ عَنْ يَسَارِهِ وَ فَاطِمَةُ مِنْ وَرَائِهِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ مُنَادٍ
يُنَادِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الْمُحِبُّونَ وَ أَيْنَ الْمُبْغِضُونَ؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ. (۱)

علامه طبری نقل می کند از انس از طریق عامه (اهل سنت) از فراش بن عبدالله که گفت: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا علی بن ابیطالب علیه السلام چگونه است؟

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سؤال می کنی از علی بن ابیطالب علیه السلام، همان کسی که روز قیامت در حالی وارد می شود که بر یکی از ناقه های بهشتی سوار است که پاهایش از زمرد سبز، دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود، دم آن از مشک ناب آمیخته با آب حیات بر او دو جامه از نور است پای جامه ای و عبایی

به دست او پرچم حمد است با چهار پاره (قسمت) که فاصله ی بین آسمان و زمین را پر کرده است.

حمزه بن عبدالمطلب از سمت راست و جعفر طیار از سمت چپ و فاطمه سلام الله علیها از پشت سر و حسن و حسین علیهما السلام از پیش در حالی که منادی در عرصه و سرای قیامت ندا در می دهد: کجا هستند دوستانان و کجا هستند دشمنان. این علی علیه السلام است در حالی که نامه اش به دست راست اوست داخل بهشت می شود.

ص: ۹۹

حدیث ابوذر رضی الله عنه

رَوَى الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ النَّيْشَابُورِيُّ فِي «الْمُسْتَدْرَكِ» قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْحَافِظِ بِهِمَدَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

مَرَّ بِمَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ إِلَّا بِتَكْذِيبِهِمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالتَّخْلُفِ عَنِ الصَّلَاةِ وَالتَّبَعِثِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ. (١)

ابوعبدالله نیشابوری در مستدرک روایت کرد که گفت: ابوجعفر احمد بن عبید حافظ به اسنادش از ابوذر نقل کرد، که گفت: ما منافقین را نمی شناسیم الا به تکذیب خدا و رسولش و تخلف از نمازهای پنج گانه و بغض علی بن ابیطالب علیه السلام. پس گفت: «این حدیث صحیح است.»

افضل عبادتها حب علی علیه السلام است

فِي الْمَحَاسِنِ: عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ أَوْ غَيْرُهُ عَنْ حَفْصِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ وَفِي خَيْرِ آخِرِ حُبِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَعْمَالِ. (٢)

در محاسن از علی بن حکم از حفص دهان است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که بالای هر عبادتی، عبادتی وجود دارد و حب ما اهل بیت بالاترین و افضل ترین عبادتهاست و در خیر دیگر است که: حب علی آقای تمام اعمال است.

ص: ۱۰۰

۱- الاربعین فی حب امیرالمؤمنین ج ۱ ص ۶۱.

۲- الاربعین ص ۷۱ به نقل از القطره ج ۲ ص ۲۳.

دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ:

حِوَاءَ أَعْرَابِيٍّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لِلْجَنَّةِ مِنْ ثَمَنٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَا تَمَنُّهَا؟ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصاً بِهَا. قَالَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ: وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّهَا؟ قَالَ: أَجَلٌ، إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقَّهَا. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری گفت:

بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری» عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که بنده ی صالح آن را از روی اخلاص بگوید. عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده ام و دوست داشتن اهل بیت من. عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری، دوست داشتن آنان، بزرگترین حق آن است.

اولین سوال قیامت درباره ی محبت به علی علیه السلام است

قَالَ حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَدَّمَ إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِي: يَا سَدِيرُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟

ص: ۱۰۱

قُلْتُ يَا أَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَ لَا أَظُنُّ أَنِّی آكَلْتُ أَمِثْلَهُ ثُمَّ إِنَّ عَنِّی تَغَوَّعَتْ فَبَكَيْتُ فَقَالَ: یَا سَدِیرُ مَیَا یُبْکِیْكَ؟ قُلْتُ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ذَكَرْتُ آیَةَ فِی كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: وَ مَا هِیَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِی كِتَابِهِ: «ثُمَّ لَتَسْئَلَنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فَخِفْتُ أَنْ یَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ (من النعیم) الَّذِی یَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَضَحَكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ یَا سَدِیرُ لَا تُسْأَلُ عَنِ طَعَامِ طَیِّبٍ وَ لَمَّا تَوَبَّ لَیْنٍ وَ لَمَّا رَأَى طَیِّبَهُ بَلْ لَنَا خَلْقٌ وَ لَهُ خُلُقْنَا وَ لِنَعْمَلُ فِیهِ بِالطَّعَاةِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِیمُ قَالَ لِی حُبُّ عَلِیٍّ وَ عِثْرَتِهِ یَسْأَلُهُمُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ كَیْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِی حِینَ أَنْعَمْتُ عَلَیْكُمْ بِحُبِّ عَلِیٍّ وَ عِثْرَتِهِ

حَنَانِ بْنِ سَدِیرِ كَقَالَ: پَدْرَمِ بَه مِنْ كَقَالَ: نَزْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ بُوْدَم. آن حضرت غذایی در برابرم نهاد كه هرگز غذایی مانند آن نخورده بُوْدَم. پس به من فرمود: ای سَدِیرِ غذایی ما را چگونه یافتی؟ عرض كردم: پدر و مادر فدایت ای پسر پیامبر خدا! تاكنون چنین غذایی نخورده ام و گمان هم نمی كنم كه دیگر غذایی مانند آن بخورم. آنگاه چشمانم پر از اشك شد و گریستم فرمود: ای سَدِیرِ! چرا گریه می كنی؟ عرض كردم: یا بن رسول الله! آیه ای از كتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: کدام آیه؟ عرض كردم: این آیه:

«پس در آن روز از نعمت بازخواست می شوید.»

می ترسم این غذا جزء همان نعمتی باشد كه خداوند درباره ی آن بازخواست می كند. حضرت خنده ای كرد به طوری كه دندانهای عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سَدِیرِ! از تو، نه درباره ی خوراك لذیذ سؤال خواهد شد و نه درباره ی

جامه ی نرم و نه درباره ی بوی خوش، بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم»

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت کدام است؟ فرمود: دوستی علی و عترت او. در روز قیامت خداوند می پرسد: «در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟»

محبت به علی علیه السلام محک نَسَب فرزندان

۱- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا أَهْلَ الْبُيُوتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ وَلَا يُبْغِضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنْسٍ مُلْصَقٍ (۱)

به خدا سوگند که از عرب و عجم ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده دار و شریف و اصیل هستند و از این رو، از اینان و آنان ما را دشمن ندارد مگر کسی که آلوده و بی نَسَب باشد.

۲- عَبَادَةَ بَنِ صَامِتٍ مِی گوید: ما فرزندان خود را با محک دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام می آزمودیم. اگر یکی از آنها را می دیدیم که علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست ندارد، می فهمیدیم که از نطفه ی ما نیست و حرامزاده است. (۲)

پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ص: ۱۰۳

۱- اهل بیت (در قرآن و حدیث، ص ۶۱۲.

۲- همان.

أَكْثَرَكُمْ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُكُمْ حُبًّا لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (۱)

پر نورترین شما در روز قیامت، کسی است که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیشتر دوست بدارد.

محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان

قال الصادق عليه السلام:

مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَجُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی ما را در قلبش تحقق بخشد، چشمه های حکمت بر زبانش جاری گردد و ایمان در دلش نو شود. (۲)

دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا يُغْضَبُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمًا (۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند در روز قیامت، او را دست بریده برانگیزد.

دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه ی یهود و نصاری

ص: ۱۰۴

۱- اهل بیت (در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری ج ۲ ص ۶۵۴.

۲- همان ص ۶۵۳ به نقل از المحاسن: ۱/۱۳۴.

۳- ثواب الاعمال: ۲/۲۴۳، المحاسن: ۱/۱۷۴.

جابر بن عبد الله عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى فَقَالَ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور می کند.

عرض کردم: ای رسول خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند. (۱)

نابودی دشمنان علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمودند: به خاطر من سه کس نابود می شوند و سه کس رستگار می گردند. لعنت کننده ی بر من، شنونده ای که بر آن صیحه می گذارد و گناهکاری که بار گناه را به دوش می کشد (یعنی پادشاه خوشگذرانی که به واسطه ی ناسزاگویی به من، به وی نزدیکی می جویند و در نزد وی، از دین من بیزاری جسته، بزرگی تبار مرا خوار می شمارند. به درستی که ریشه ی من ریشه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و دین من همان دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

و سه کس به خاطر من رستگار می شوند: دوستدار پیرو، دشمنی آن که با من دشمن است و دوستدار آن که دوستدار من است، هر گاه بنده ای مرا دوست بدارد دوستدار مرا نیز دوست می دارد و با دشمن من دشمنی می کند و از من پیروی می کند.

هر کس باید قلب خویش را بیازماید؛ زیرا خداوند در وجود یک نفر دو قلب قرار نداده تا با یک قلب دوست بدارد و با قلب دیگر دشمنی کند. هر کس قلبش را از

ص: ۱۰۵

مهر غیر ما سیراب کند، بر ضد ما تبانی کرده است پس بداند که خداوند عز و جل و جبرئیل و میکائیل دشمن اویند و خداوند دشمن کافران است. (۱)

نابینایی در روز قیامت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مهاجران و انصار فرمود:

علی را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی اش بدارید، به خدا سوگند، این را از پیش خود به شما نگفتم: بلکه خداوند والا- مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است. ای جماعت عرب! هر کس پس از من، علی علیه السلام را دشمن بدارد خداوند در روز قیامت، او را نابینا محسور می کند و او حجتی نخواهد داشت. (۲)

سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام!؟

مُعَلَّى بن خُنَيس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس شکم یکی از دشمنان ما را سیر کند گویی که یکی از شیعیان ما را کشته باشد». (۳)

محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همان طور که خداوند از فرو فرستادن باران بر قوم بنی اسرائیل به خاطر بدرفتاری شان با پیامبرانشان امتناع کرد، از فرو فرستادن باران بر این امت نیز به خاطر دشمنی شان با علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرد. (۴)

ص: ۱۰۶

۱- دانشنامه امیرالمومنین علیه السلام، ری شهری، به نقل از الغارات ۲/۵۸۹، تفسیر فرات: ۶۱/۲۴.

۲- همان، حدیث ۶۱۱۷۸ به نقل از شواهد التنزیل ۱/۴۹۵/۵۲۳.

۳- دو بال برای پرواز ص ۳۷ ابومحمد به نقل از معانی الاخبار باب ۴۰۸.

۴- تاریخ دمشق ۴۲/۲۸۲/۸۸۱۳.

دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست

مجمع الزوائد به نقل از ابورافع نقل کرده است:

پیامبر خدا علی علیه السلام را به یمن فرستاد. مردی از قبیله ی اَسَلَم که به وی عَمْرُو بن شَاس اَسَلَمی گفته می شد، همراه وی رفت. این مرد برگشت در حالی که از علی علیه السلام بدگویی و شَتکُوه می کرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال وی فرستاد و آنگاه به وی فرمود:

دور شو، ای عَمْرُو! آیا از علی ستمی در داوری دیدی، یا دیدی که او خود را در تقسیم بیت المال بر دیگران ترجیح دهد؟

گفت: به خدا خیر! فرمود: «پس برای چه این چیزهایی را که به من خبر داده اند، می گویی؟» گفت: نمی توانم از دشمنی با او خودداری کنم.

پیامبر خدا چنان خشمناک شد که خشم از چهره اش هویدا بود. آنگاه فرمود: کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و کسی که مرا دشمن بدارد خداوند را دشمن داشته است و دوستدار او دوستدار من است و دوستدار من دوستدار خداوند عز و جل است. [\(۱\)](#)

جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش

علی بن ابراهیم در تفسیر سوره ی اعراف ذیل آیه ی «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ» می گوید که: روایت کرد پدرم از حسن بن محبوب و از او ابی ایوب و او از «بُرَید» و وی از امام هشتم ابا عبدالله علیه السلام که فرمودند:

اعراف جایگاه بلند و زیبایی بین بهشت و دوزخ است و منظور از «رِجَالٌ» (مردان) علی علیه السلام و فرزندان او هستند که در کنار شیعیان خود در اعراف می ایستند در حالی که مؤمنان بدون حساب در بهشت بسر می برند ائمه ی اطهار

ص: ۱۰۷

علیهم السلام به شیعیان خود که مرتکب گناہانی شده اند می فرمایند به برادران خود نگاه کنید که بدون حساب به بهشت رفته اند و به دشمنان در دوزخ نظر بیفکنید و این است مفهوم فرموده خداوند در قرآن آنجا که می فرماید: اعرافیان بر بهشتیان سلام می کنند در حالی که داخل بهشت نشده اند ولی امیدوارند و توقع دارند که وارد آن شوند. (۱)

محافل و مجالس به واسطه ی حب علی علیه السلام زینت داده می شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ مَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا فَقَدْ تَوَلَّانِي حُبُّهُ نِعْمَةٌ وَ اتِّبَاعُهُ فَضِيلَةٌ لَمْ يَمْشِ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ مَا شَأْنُ أَكْرَمٍ مِنْهُ بَعْدِي، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِدَاءَ الْفَضْلِ وَ الْفَهْمِ وَ زَيْنَ بِهِ الْمَحَافِلِ وَ أَكْرَمَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نَصَرَ بِهِ الْعَسَاكِرَ وَ أَعَزَّهُ بِهِ الدِّينَ وَ أَخَصَّبَ بِهِ الْبِلَادَ وَ أَعَزَّهُ بِهِ الْأَخْيَارَ» (۲)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی از من است و من از علی، هر کس علی را یاری کند مرا یاری کرده و حب علی نعمت بزرگی است و تبعیت و پیروی او فضیلت. بر زمین راه نرفت کسی جزء علی که بعد از من با کرامت ترین افراد باشد. و خداوند بر او لباس فضل و فهم و ادراک را نازل کرد و به واسطه ی علی علیه السلام مجالس و محافل را زینت بخشید و دین را به واسطه ی او عزیز کرده و شهرها را به واسطه ی او سرسبز و خرم کرده و خوبان به واسطه ی او عزت یافتند.

ص: ۱۰۸

-
- ۱- رساله الأربعین فی احوال النُّصَاب و المخالفین امیر فیض الله تفرشی، ص ۱۸۷.
 - ۲- الاربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام ج ۱ ص ۳۰، ابومعاش نشر، انوار الهدی.

- (۱) الیقین، سید بن طاووس، منشورات، موسسه ی دارالکتب، قم.
- (۲) فضائل الخمسه، حسینی فیروز آبادی، سید مرتضی، منشورات دارالکتب اسلامیة، تهران.
- (۳) الغدیر علامه امینی، منشورات امام امیرالمومنین علیه السلام، تهران.
- (۴) الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی.
- (۵) بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شیخ ابو جعفر، محمد بن علی طبری، مکتبه حیدریه، نجف
- (۶) اثبات الهدایه، مرحوم شیخ حر عاملی، منشورات مطبعه علمیه، قم.
- (۷) احقاق، سید نورالله حسینی مرعشی، کتابخانه ی آقای مرعشی، قم.
- (۸) الارشاد، شیخ مفید، قم، نشر بصیرتی.
- (۹) فصول المهمه فی معرفه الائمة، نورالدین ابن صباغ مالکی، چاپ ایران.
- (۱۰) علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی، چاپخانه امیر.
- (۱۱) القطره، سید احمد مستنبط، نشر حاذق.
- (۱۲) امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفاء، مهدی فقیه ایمانی، نشر عطر عترت.
- (۱۳) حدیقه الشیعه، شیخ مقدس اردبیلی.
- (۱۴) اهل بیت، عرشیان فرش نشین، حسین انصاریان.
- (۱۵) علی قائد الغر المحجلین، سید فخرالدین موسوی، نشر بهار ۱۳۸۱ ش.

- ١٦) روضه كافي، محمد بن يعقوب كليني، نشر موعود السلام.
- ١٧) أمالي الشيخ الطوسي، نشر دار الثقافة، قم ١٤١٤ هـ.
- ١٨) كنز العمال، تقى هندی، الرساله، بيروت.
- ١٩) ينابيع الموده، قندوزی، منشورات دارالكتب العراقيه.
- ٢٠) المناقب، ابن مغازلي، مكتبه اسلاميه، تهران.
- ٢١) فرائد السمطين، حمويني، نشر محمودي، بيروت.
- ٢٢) محاسن، احمد بن محمد برقي، منشورات مطبعه حيدريره.
- ٢٣) مائه منقبه: شيخ محمد بن احمد قمی معروف به ابن شاذان، موسسه الامام المهدي عليه السلام، قم.
- ٢٤) مدينه المعاجز، سيد هاشم بحراني، موسسه ي معارف اسلاميه، قم.
- ٢٥) مروج الذهب، ابوالحسن علي بن حسين مسعودي، منشورات دارالهجره، قم.
- ٢٦) مشارق أنوار يقين، حافظ رَجَب بُرْسِي منشورات، موسسه ي اعلمي، بيروت.
- ٢٧) المناقب، علامه الموفق بن احمد خوارزمي، نشر جامعه المدرسين، قم، چاپ دوم ١٤١١ هـ.ق.
- ٢٨) المناقب المرتضويه، مير محمد صالح كشفى صنفی.
- ٢٩) دخائر العقبی، محب الدين طبري، چاپ مصر، المكتبه المقدس.
- ٣٠) كنوز الحقايق، علامه المنادي، چاپ بولاق.
- ٣١) مناقب آل ابيطالب عليهم السلام: ابن شهر آشوب، نشر موسسه انتشارات علامه، قم.
- ٣٢) مُسند احمد، احمد بن حنبل، نشر دار صادر، بيروت.
- ٣٣) بصائر الدرجات الكبرى، محمد بن الحسن بن فروح الصفار، موسسه الاعلمي، طهران، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ٣٤) صحيح بخاري، محمد بن اسماعيل البخاري، نشر دارالفكر، بيروت ١٤٠١ هـ.
- ٣٥) صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج النيشابوري، نشر دارالفكر، بيروت.

٣٦) ﻋﻠﻰ ﻋﻠﻴﻪ ﺍﻟﺴﻼﻡ ﺇﻣﺎﻣﻨﺎ، ﻣﺤﻤﺪ ﺍﻟﺮﺯﻗﻰ ﺍﻟﺮﺿﻮﻯ، ﺑﻰ ﺗﺎ.

ﺼ: ١١٠

۳۷) نَهْجُ الْاِيْمَانِ، زَيْنُ الدِّينِ عَلِيُّ بْنِ يُوْسُفَ بْنِ جَبْرِ، تَحْقِيقُ سَيِّدِ اَحْمَدِ حَسِيْنِي، نَشْرُ اِمَامِ هَادِي، مَشْهَد.

۳۸) اهل بيت در قرآن و حديث، محمدي ري شهري، نشر دارالحدیث.

۳۹) الفصول العليه في مناقب اميرالمومنين عليه السلام شيخ عباس قمي، نشر موسسه در راه حق، قم.

۴۰) علي العالی، الشيخ مجتبی العراقي نشر السماحه المؤلف.

۴۱) فروغ هدايت، سيد علي بهبھاني، ترجمه علي دواني، چاپ علميه قم.

۴۲) رساله الاربعين في احوال النُّصَابِ و المخالفين، امير فيض الله تفرشي، ترجمه سيد ابوالفضائل مجتهدی، نشر مفید.

۴۳) معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علي رضا زکی زاده، نشر جام جوان.

۴۴) حلیم، الابرار في احوال محمد و آله الاطهار موسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ ه.ق.

۴۵) مقام الامام اميرالمومنين علي بن ابيطالب عليه السلام الطبعة الرابعه، النجف.

۴۶) تاريخ بغداد، للحطیب البغدادي، دارالکتب العلميه، بيروت.

۴۷) طبقات الكبرى، ابن سعد، دار بيروت.

۴۸) علي عليه السلام در كتب اهل تسنن، سيد محمد باقر موسوی همدانی، تنظيم احمد رضا كشوري، نشر پورشاد، تهران.

۴۹) اربعين في حب اميرالمومنين عليه السلام، ابومعاش، نشر انورالهدی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

